

نشانی دفتر
چهار راه رازی

عنوان تلگرافی
«هاعولام»

عالم امروز

گزارش از کنگره جهانی

شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۱

۵ ریال

قسمت

۲۶



چهار راه کنت خیابان منوچهری
فرشماهی ۹ ماهه بدون الکتریک
بلند، درشت، سیستم جدید، فرگرم و سرد
توالع عروس و مایکور باسرع وقت
۱۰-۶

اخطار به مشترکین

مشترکین محترمی که با دریافت این
قسمت آ بونه آنها پسر میرسد متخنی است
آ بونه خود را با پرداخت ۱۸۰ ریال
برای چهل قسمت یا صد ریال برای بیست
قسمت دیگر تجدید فرمایند. ۷-۳۰



مژده

مهمانخانه شهرداری
مهمانخانه شهرداری در تمام مدت
سال با بهترین موزیک دایر و برای مهمانی
های کوچک و بزرگ و عروسی با نازل
ترین قیمت مهیا میباشد.
مدیر مهمانخانه - محمود یکانگر
۲-۳

بشارت بخانواده های دختر دار
چهار راه کنت - مغازه بوستان
همه نوع حوله جات بالترمی قدیم
رو میزبهای کار دستی اصفهان و تخیهای
باقنتی با اجناس خرازی را میتوالید بقیتمت
خیلی ارزان خریداری فرمایید سفارشان
کلی و جزئی پذیرفته میشود.
۴-۴

هنرستان فنی

در دبیرستان اتحاد هنرستان خیاطی
برداری دوزی و برش تحت نظر خانم
دیله از صبح تا عصر دائر و برای تلم
مجانی بانوان و دوشیزگان آماده میباشد
داوطلبان میتوانند هر روز تا ساعت
یازده بدقت در دبیرستان مراجعه نمایند. ۴-۴

ن

ژنده پوش

فانتزی

میکند و بدون فر اولی ملحق شده در خم کوچک اابدید
میشود

ارمغان بهمن

شب میرسد. - زن ژنده پوش ساعتها است
جان سبرده. دو قطره اشک در گوشه چشمانش نیشزده
و منجمد است.

از دور - خیلی دور نوای والس اشتراوس
با صدای قهقهه و پای کوبی بگوش میرسد.
سه راهگذر صبح باهم داخل کوچه میشوند.
بیخ های گل آلود مثل خورده شیشه زیر پایشان صدا
میکند کوچه تاریک و خلوت است.

پای یکی از آنها بجسد زن میخورد

: - آه این چیست ؟
دومی : - (کبریت میزند) همان زن خوشگل

صبحی است !
سومی : - آه عجب جان سخت است ! هنوز

اینجا نشسته است .
اولی : - (کبریت دیگری میزند) چیزی

باو بدیم ؟
سومی : - بکیر ایبت دهشامی را . . .

آه مرده است !
دومی : - لبهایش کبود است ؟

اولی : (باز کبریت میزند) بیخ کرده است
دومی : - پس راست میگفت گرسنه بود !

: - برویم .
: - تقدیرش این بود .

: - روحش از سرمای اینجا بکرمای جهنم گریخت
صدای سنگینی بگوش میرسد

: - وای بر شما . . .
سه نفر متوحشانه بهم مینگرند

: شنیدی ؟
: آری !

: - (با خنده زور کبی) گویا باد بود که در
شاخه درختها پیچید !

: - برویم . . .
: - برویم ؟ آخر این زن !

: - او همیشه خدارا صدا میزد .
: - لابد همان « خدا » او را ضبط خواهد کرد

(هر سه میخندند)
صدای جدی بگوش میرسد و ماده که تازه بالا

آمده است . مثل همیشه سرد و ساکت باین منظره
می نگرند .

« پایان »

از سفر انبهای اخلاقی و مذهبی واجتماعی
که شبهای دو هفته توسط انجمن روحانی در
سالن کنیسی ملاحظینا منعقد میشود استفاده
نمایید
۲-۳۰

زن ژنده پوش ، سراپا گل آلود در
کنار دیوار کوچک از حال رفته است ،
چشمانش بی نور و دندانهایش کلبه شده
راهگذران بسرعت میگذرند و بخار مطبوعی
از دهانشان بیرون میچینند . . .

راهگذر اولی : (دامن پالتو خود
را بالا گرفته با احتیاط و نفرت از کنار
زن تیره بخت میگذرد)

: - حتماست کرده است ! دوره خرابی
است زنها مثل مردها میخورند و بد تر
از آنها مست میکنند و بی احتیاط تر از
آنها کنار کوچه می افتند . . .

زن : - (پاناله ضعیف) گرسنه ام !
راهگذر دومی : - (خیره بروی زن
نگاه میکند) چه گونه های سرخی !

صاحب این گونه ها هرگز گرسنه است !
راهگذر اول : - (۲۰ قدم دور
شده است فریاد میزند)

سرخی گونه ها از (مشروب) است
فریب مغرور ! اگر بهمه این حقه

بازها کدک کنیم خودمان باید توبره
گدایی کردن بیندازیم !

راهگذر دومی : - حرفهای تو ذیقیت
است من باین ریاکاران هرگز کدک نخواهم

کرد .
(می رود)

: -
دندان های زن ژنده پوش بهم
میخورد و تندتند نفس میزد .

: - میبیم . . . می . . . میم . . .
راهگذر سوم : - (با نفرت زن را
نگاه میکند)

آه اگر صبح ه سیر غسل و مریا
هم صرف کنم دیدن روی این حقه بازها

همه را بدشانم زهرمار خواهد کرد !
زن : (با چشمان نیمه باز و صدای
حزن انگیز) رحم کنید .

راهگذر : - آه که دل خود را چه
خوب بازی میکند .

راهگذر اولی : - (سر کوچک خم
شده بند کفش خود را محکم میکند و
فریاد میزند)

: - رفیق ! پرده اولش را ما تماشا
کردیم .

: - عالیست ! (میخندد)
: - فریب خوردهی ؟

: - هرگز ! (قدم ها را تند
- ۴۳۲ -



رجوع شود به صفحه ۴۸

آیا شرم آور نیست؟ خارجیانهم برای ما متأسف هستند!

شخصی را بجرم گناهکاری گرفتند و بنا بر سوم محلی سر او را تراشیدند و ما ت بسر و صورتش مالیدند و او را وارونه بر الاغی سوار کردند و دم الاغ را بدستش دادند که پس از گردش در شهر او را از شهر بدرکنند. عده ای از اطفال محل هم بدورش جمع شده و کف زنان او را میگردند.

آن شخص گفت « بچه ها آیا این را میخواهید و سیله طعنه و سرزنش من قرار دهید؟ این ماست که متعلق به بقال سرکوجه است الاغ هم آن از همسایه خودم است شما هم که بچه های محل خود هستید پس کف زدن و هو کردن چه نتیجه دارد؟ »

از دولت سر برمدعاها و کم مدرکان جامعه خودمان یعنی اغلب آنها اینکه خود را سر جنابان و محترمین جامعه اسرائیل ایران معرفی میکنند امروز وضعیت ما کمتر از آن شخص نیست - هر چه بر ما سختی و خفت وارد میشود هر اندازه بر ما توهین میکنند هر قدر از چپ و راست رانده می شویم و از حقوق اجتماعی محروم میگردیم - شانها را از روی بی اعتنائی بالا انداخته میگوئیم اهمیت ندارد اینکه چیزی نیست - بجای اینکه در صدد اصلاح معایب و ترمیم خرابیها بر آئیم و با يك جنبش جوانرودانه و وحدت نظری در سایه يك سازمان متشکل ملی برفق نواقص و ویرانیهای خود بپردازیم هر کسی سر در گریان خود فرو برده و میکوبد هر چه میشود بشود چه اهمیتی دارد فعلا که زنده هستیم خدای بعد از این هم بزرگ است (بن چه که مدرسه خراب است، بن چه که روزنامه نداریم، بن چه که فقر و بیچارگی بی نهایت شده است...)

آیا شرم آور نیست که هنوز نتوانستیم ایم ارزش و قابلیت اجتماعی خود را بدست آوریم و همیشه پست ترین مراتب اجتماعی را دارا باشیم؟

بارها درباره معایب و نواقص زیاد از حد خود گفتگو نموده ایم و لزوم يك سازمان منظم مرکزی و تشکیلی صندوق ملی را متذکر شده ایم ولی بدبختانه هنوز توجهی از طرف اشخاص مسئول نشده است و قدمی در ایزراه برنداشته اند.

غفلت و لایقندی را شعار خود قرار داده و از گذشته بر ملال و متلاطم خود متنبه نشده و نسبت به آینده کاملاً بی اعتنا هستیم - غفلت و بی اعتنائی ما بجدی است که حتی « خارجیانهم بر آن واقف شده و برای ما متأسف هستند * »

مصاحبه ای که با آقای سیده ناینده مختار و بازرس آلیاس اسرائیلی بعمل آمده خود شاهد انعقاد و ایراد ما است نسبت بجامعه خود. در آن مصاحبه از آقای سیده سوال شده است « بنظر جناب عالی برای رفع نواقص ما ملت اسرائیل ایران چه اقدامات اساسی باید بعمل آورد؟ »

آقای سیده جواب داده است -

« متأسفانه در تهران بطوریکه در سایر شهرهای بزرگ معمول است سازمانی نیافتیم که فکری بجال آینده

گفتار بزرگان

بسیاری از اشخاص برای فرار از قبول مسئولیت های شخصی؛ نا کامی خویش را معلول سر نوشت؛ پیش آمد و اقبال نامساعد می شمارند - و البته برای فرار از قبول مسئولیت این راه از همه کوتاه تر است و شاید در نظر همگان نیز قابل قبول باشد اما حقیقت مطلب این نیست - (امرسن)

کلمات قصار علماء یهود

۱- با کسیکه باتو دشمنی نکرده بی سبب مختاصت نکن - ۲- بر همسایه ات قصد بد مکن زیرا او در امنیت منزل تو ساکن میباشد - ۳- ترس از خدا آغاز حکمت است ولی جاهلان حکمت و ادب را خوار مینمایند - ۴- غرت - شدت خشم مرد است - ۵- آیا ممکن است کسی آتش را در آغوش گیرد و لباسش نسوزد و یا براخرگر سوزنده گام نهد و باهایش دردناک نگردد - ۶- کسیکه زن همسایه اش را لیس نماید بی گناه نخواهد ماند - ۷- بر مرد ظالم حسد مبر و راهپایش را انتخاب مکن - ۸- حکمت را از مورچه بیاموز زیرا با آنکه پیشوائی ندارد خوراک خود را در تابستان و آذوقه اش را در موسم حصاد جمع آوری میکند - (امثال سلیمان)

۹- خوشا بحال کسیکه بشورت شیران نرود و براه گناهکاران ناستد و در مجلس استهزاء کنندگان نشیند - ۱۰- خداوند عادل است و عدالت را دوست میدارد - (مزامیر داود)

ملت نموده و اقدام با ایجاد صندوق مخصوص ملی بنمایند

همین عبارت مختصر ولی پر معنی ای که از زبان يك شخص صبر و با تجربه خارجی جاری شده است بهترین دلیل سستی و بی همتی و لایقندی يك جامعه صد هزار نفری است و اگر غریت وحسی در وجود ما بود میبایستی تکان سختی بما داده باشد -

با این عبارت ساده خوب میشود بی برده که تا چه حد بی همت و غافل هستیم که غفلت و سستی ما حتی نزد خارجیانهم که از راه دور میرسد محسوس است در راه همیشه منتظر بوده و هستیم که یکمده خارجی بیاید و ما را اصلاح کنند -

(خدا به آنانیکه مسئول و شایسته تشکیل سازمان منظم ملی هستند ولی خودداری میکنند یا آن سرمایه دارانی که در تمت و لذت غوطه ورند و از حال جامعه خود بی خبرند همت و غرت دهد) - ما در ایران اقلیت هستیم و زرد تیشیان و ارامنه نیز اقلیت هستند - برویم و از نزدیک نظری بشکلات آنها و خدمتگذاری و فعالیت و صمیمیت و از خود گذشتگی افراد آنها بیاندازیم و بر حال زار خود بگرییم -

اگر اسلاف ما که سالها بعنوان پیشوا و رئیس و بزرگ خود را بر این جامه مفلوک تحمیل کرده بودند بجای جاه طلبی و خفه کردن احساسات جامعه و خود پرستی و تعلق خاطر اوقات دست بشکلات ملی میزدند و اقلاً يك صندوق ملی بوجود می آوردند آیا اوضاع امروزی ما تا این حد پریشان و رقت بار بود که خارجیان بر حال ما اظهار تأسف کنند؟! ولی تنها ما به امیدیم که برای ما باقی مانده است نهضت های ترقی خواهانه ولی ناقص جوانان است - اگر این دسته از جامعه غرور ملی و استقلال طلب

فوت یکی از خدمتگزاران اسرائیل

دردیروان آن رادمردانی که فرزندان لایق و مفید تحویل جامعه میدهند - آقای مشه مطروب روز سه شنبه ۱۶ بهمن درس ۸۵ سالگی دار فانی را وداع گفت شادروان مشه مطروب از آنجهت که فرزندان لایق و نوع پروری را برای اجتماع تربیت نموده است شایسته تقدیر و سزاوار رحمت میباشد چنانکه فرزندان وی اغلب در خدمات ملی و اجتماعی شرکت جسته یکی با تحمل چندین سال زحمت فرهنگی و دیگری بوسیله مبارزه با امراض گوناگون و حمایت مرضی در درمانگاه همگانی تا آنجا که توانسته اند برای ملت خود خدمت نموده اند و انشاء الله باز هم ادامه خواهند داد.

عالم یهود

سعیدیا مرد نکو نام نیرد هرگز مرده آنستکه نامش بنکوئی نیرند ما این مصیبت وارده را بلکه بستگان آن مرحوم تسلیت میگوئیم -

ارتقاء بمقام استادی

بقرار اطلاع واصله آقای دکتر موسی بروخیم دانشیار جدی و لایق دانشکده ادبیات و دانش سرای عالی بسبب ابراز لیاقت در آخرین جلسه شورای استادان بمقام استادی ارتقاء یافتند؛

عالم یهود - ما این موفقیت بزرگ را صمیمانه بایشان تبریک

گفته امیدواریم که این ارتقاء تبه موجب از دیاد مساعی و کملک ایشان نسبت برهنگیان بشود -

انجمن ترویج زبان مذهبی

یکسال و نیم قبل در موقع اقامت آقای گلدرگ در تهران بدستور راب عزیزیل انجمنی بنام انجمن ترویج زبان مذهبی (بریت عبرتیه عمولات) تحت ریاست هاراب نیم در تهران تأسیس و مدتی هم مشغول کار بودند ولی این انجمن هم پس از مدتی تعطیل شد -

اما از آنجائیکه هاراب نیم همیشه در ترویج زبان مذهبی پیش قدم بوده و مردم را تشویق باین امر نموده و مینماید خودشان کلاس خصوصی برای تهیه چندین نفر آموزگار زبان عبری تأسیس و هفته چند روز از اوقات خودشان را مجاناً مصرف این امر نیک مینمایند طرز تدریس ایشان با ملاحظه ای که از نزدیک شده مطابق اسلوب صحیح و با در نظر گرفتن کلیه نکات صرف و نحو میباشد -

ما از این اقدامات خیر خواهانه ایشان تشکر می نمایم امیدواریم که کلاس های تدریس زبان مذهبی زیادتیر گردد تا عموم افراد ملت از زبان مذهبی بهره مند شوند -

نمایش شائول در پناه کاه

روز شنبه ۱۳ بهمن ساعت هفت بعد از ظهر نمایش نامبرده بوسیله هیئت تاترال تل آویو که از یکمده از هنریشکان اطفال خورد سال بودند در سالن کلوب داده

يك واقعه اسف انگيز

شب شنبه ۲۶ و ۲۷ ساعت ۱۰ بعد از ظهر سفق یکی از اطافه های خانه مسکونی اسرائیل ها در محله خراب و در نتیجه يك زن و شوهر جوان ودو بچه فوت مبنماید -

ما به بازماندگان آنها تسلیت میگوئیم و نظر انجمن کلییمان را باین موضوع جلب مبنماینم تا آنها هم مانند شهرداری تهران که خانه های جنوب شهر را بازدید نمودند با تفاق آقای مهندس بنایان خانه های نخروبه محله را باز دید و در صورتیکه محلی مشکوک بنظر میرسد برای آنها محل مناسبی در این زمستان تهیه نمایند تا از اینگونه تلفات جلوگیری شود -

انجمن بانوان

نظر بسختی زمستان امسال انجمن بانوان که مرام آنها کمک و دستگیری از اطفال و محصلین بی نوا میباشد در نظر گرفت مقداری کفش و کلاه و لباس و زیر پوش بینه داش - آموزان بی نوا ی دبستان و دبستان اتحاد تقسیم نماید و بدین لحاظ روز دوشنبه ۱۵ بهمن ۳ بعد از ظهر از طرف انجمن نامبرده دعوتی از عده ای محترمین بعمل آمده بود که

با وجود بارندگی و شدت سرما معزنا عده کثیری در سالون هنرستان دبیرستان حاضر گردیدند و از طرف مادام زند رئیس انجمن بانوان و خانم کوهن مدیره دبیرستان پذیرائی گرمی از مدعوین بعمل آمد و بعد تمام اطفال فقیر دختر و بسر در سالون حاضر شده و از طرف آنها سرود خوانده شد و مادام زند از طرف انجمن نطق بلیغی بزبان انگلیسی ایراد و لزوم کمک به بی نویبان یتیم را گوشزد نموده و اضافه نمودند که امروز ۷۷ جفت کفش و جوراب ۸۸ بالا پوش ۱۴۰ کلاه دخترانه و ۲۰۰ دست زیر پوش تقسیم خواهد شد و از الطاف نیکوکارانه اسرائیلهای تهران تشکر نمودند اشخاصی که در این امر خیر مخصوصاً کمک نمودند شرح زیر میباشد -

آقایان مرتضی سهنی و برادران ۵۰ جفت کفش آقای مراد پور (کلای سوس) ۶۰ یارد پارچه برای لباس دخترانه - آقای مهدی کهنیم (کوه نور) ۲۰ یارد پارچه - آقای بابا خان اوحب سیون ده متر پارچه - آقایان برادران القانایان (شرکت الکا) دو توپ پارچه برای ۵۰ دست لباس - آقای شماسی ۲۰۰۰ ریال برای خرید کلاه - انجمن بانوان ۱۲۰۰۰ ریال برای تکمیل خرید و آقایان القانایان ۴۵۰ ریال پرداخته اند آقای دکتر کهن رئیس اداره جونت ۷ متر پارچه -

بعد از آن آقای کوهن رئیس دبیرستان از عملیات انجمن بانوان تشکر و بوار دین خوش آیند گفته و اضافه نمودند که نباید اشتباه شود که این توزیع لباس هیچ ارتباطی با توزیع لباسی که

از طرف دبیرستان در عید نisan بعمل می آید ندارد و امسال دبیرستان در نظر دارد ۱۵۰ دست لباس کامل پسرانه و دخترانه توزیع نماید - و اضافه نمودند که مادام کوهن و آقای الیاس مانند هر سال به خیر خواهان مراجعه و امیدوارند که از کمک های نیکوکارانه خود مضائقه نقرماینند - بعد از ایشان امر توزیع لباسی شروع شد و در واقع یادین این اطفال بقیه در صفحه ۴۴۴



مهاجرت یهودیان به اسرائیل و مسوئلیت آن

در ایران
خبر میدهد



مهمترین اخبار مربوط به مسئله یهود
فلسطین که در روزهای اخیر به بار رسیده از
اینقرار اند:

۱- کمیسیون بررسی امور فلسطین
و مسئله یهود انگلیس و امریکا کار خود را
در لندن با تمام رسانیده در چهارم فوریه آغاز
برن است.

کمیسیون نامبرده فقط از یهودیان
پناهنده اروپا که در مناطق اشغال شده
انگلیس و امریکا میباشد سوالاتی خواهد
نمود؛ و بطوریکه از لندن اطلاع میدهند
این کمیسیون از یهودیان پناهنده در مناطق
روسه شوروی هیچ سوالی نخواهند کرد.

محتمل است کمیسیون در اواسط ماه فوریه فلسطین عزیمت نماید
کمیسیون در روزهای آخر فعالیت خود در لندن با نمایندگان کشورهای
عربی که بعنوان نمایندگان اتحادیه عرب بلنمن رفته بودند ملاقات و از آنها
نیز پرسشهایی نموده است.

تمام این اشخاص عقاید خود را بر علیه مهاجرت یهودیان فلسطین
و تشکیل دولت یهودی در این کشور اظهار نموده اند تا اینکه نمایندگان کشورهای
در این مورد پیش از دیگران بصیونسم متازند و حمله میکنند و مخصوصا اظهار
میکند که ایجاد دولت یهودی در فلسطین برای کشور لبنان و موقعیت نظامی
آن خطری ایجاد خواهد کرد همانطور که رویه منفی کشورهای عرب
در مقابل يك راه حل صحیح و قطعی مسئله یهود موجب شگفتی شده است
این اظهارات نیز باعث تعجب و حیرت شدید یهودیان گشته است زیرا
اسیرس که اولین نماینده انگلیسی در کشورهای خاوری است و از مخالفین
جدی صیونسم میباشد نیز سخنانی نموده است.

مشاریه نهضت صیونست را متهم کرده است باینکه این نهضت
کاملا طرفدار امتیاز نژادی است و حتی میگوید که رفتارش با نازیسم
شیبه است.

ولی اظهارات وی در دنیای یهودیت چندان ایجاد شگفتی و
تعجب نمیکند زیرا مشاریه به مخالفت های سخت خود با صیونسم کاملا
مشهور است.

در حال امید میرود جمیع دلایلی که کمیسیون در کشورهای
اروپا راجع باین موضوع بدست میآورد عقاید ناصحیح شواهد نامبرده را
رد و تکذیب نمایند.

۲- چند روز پیش کبیر عالی فلسطین باینکه عده از نمایندگان یهود
و عرب ملاقات نمود و آخرین تصمیم دولت بریطانیای کبیر را دایر بر اینکه
فعلا در این دوره فطرت تا پایان بررسی انجمن انگلیس و امریکا یهودیان
اجازه داده شود که ماهی ۱۵۰۰ نفر فلسطین مهاجرت نمایند بانها ابلاغ
نموده است.

بطوری که همه میدانند این تصمیم که مخالف میل اعراب است
مورد قبول آنها واقع نگشته و روز سوم فوریه در نزد اعراب فلسطین
راجع باین تصمیم يك روز اعتراض اعلام گشته است.

۳- از يك منبع نظامی فلسطین اظهار شده است که ۹۱۰ نفر

مهاجر غیر قانونی کدر میدان اتلیت (atleet)
زندانی میباشند باید هر چه زودتر آزاد
شوند.

کمیته انگلیس و امریکا
در بررسی اخیری که راجع فلسطین
شده بود یکی از نمایندگان یهود گفت تنها
راه حلی که میتوان برای این مسئله در
نظر گرفت تشکیل يك دولت یهودی
می باشد.

نماینده دیگری در پاسخ اینکه با در
نظر گرفتن اختلافات ۲۵ ساله یهودیان و
اعراب اگر مهاجرت فلسطین زیاد شود

مخالفت اعراب با یهودیان زیادتر خواهد شد اظهار داشت که اصولا این یهودیان
و اعراب مخالفتی جز در صورت ظاهر موجود نیباشند.

کمیسیون رسیدگی بامور فلسطین- کمیسیون مختلط انگلیس و امریکائی
که امور رسیدگی بامور فلسطین میباشد پس از اصنای شهود امریکائی
و اتمام کار های خود در امریکا بلنمن رهسپار شده و در آنجا تحقیقات
خود را در اروپا شروع نموده و از بزرگان یهود و اعراب ملاقاتی بعمل
آورده و نتیجه شهادت آنها را ثبت نموده است - نمایندگان دول عربی در
سازمان ملل متفق نیز شهادت های خود را داده و ضمن اظهارات خود اذعان
نموده اند که فلسطین يك کانون روحی و معنوی برای یهودیان میباشد.

ضمنا کمیسیون از اسرائیل های مرکز اروپا دیدن نموده و وضعیت
اسف آور آنها را که هنوز در بازداشتگاهها بسر می برند یادداشت
نموده است نماینده لبنان در کمیته اجتماعی سازمان ملل متفق اذعان نمود
که باین تمام دول نیست باوارگان یهود دنیا بشیریک مساعی نمایند و دولت لبنان
نوبه خود حاضر است که عده از آنها را در سرزمین خود جای دهد.

اجازه مهاجرت - دولت انگلستان اجازه ورود ماهیانه ۱۵۰۰
نفر مهاجر را فلسطین داده است ولی اتحادیه اعراب باین تصمیم مخالفت
نموده است - و دولت فلسطین نیز ۹۱ نفر از مهاجرین یهودی که بدون
اجازه وارد فلسطین شده و در بازداشتگاه بودند آزاد نموده است

اسرائیل های فلسطین روز یکشنبه ۱۴ بهمن مدت ۴ ساعت اعتصاب
نموده و منظور از این اعتصاب عمومی اعتراضی نسبت بحدودیت مهاجرت
اسرائیل فلسطین بوده است

احساسات اسرائیل های شهرستانها
متأسفانه مشاهده میشود باینکه اصفهان بزرگترین شهرستان اسرائیل
نشین ایران بعد از تهران است ما فقط يك مشترك داریم ولی در آبادان
که یکی از کوچکترین شهرستانهای اسرائیل نشین ایران است ۴۹ مشترك
داریم.

روزنامه هفتگی
اخیرا از طرف دانش آموزان دانشیاه سوم دبیرستان
هندان روزنامه هفتگی داخلی بسر برستی آقای هدایتی دبیر ادبیات آن
دبیرستان با موافقت اداره فرهنگ آن شهرستان منتشر میشود ما موافقت
آنانرا خواستاریم.

و بی معایب نرفت و یزازی خود و ناراضی خداوند را از عملیات احآب
پادشاه ظالم باو گوشزد مینمود و بالاخره در اثر تحریک و تشویق
اوجناعت شومرون دفننا بر کاهنان بتخانه ایزابل حمله آورد و همگی
را کشتند احآب هم مطابق پیش بینی و نبوتی که الیاهو در باره
او کرده بود در جنگ سوم خود باارام کشته شد و جسدش در اطراف
قصر سلطنتی خودش طمه سگهای کوچک گرد گشت.

و بازم ایزابل دست از شرارت و خرابکاری خود و عملیاتی
که با او بود کردن فرهنگ ملت خود ملت را بطرف زوال و نیستی
رهای می داد باز نداشت و با تفاق پسرش (یورام) سلطنت میکرد.

(الیاهو در نظر ملت اسرائیل بسیار محترم بود همه او را
(مرد خداوند) دانسته و معتقد بودند که هرگز نمی میرد و دائما از
اسرائیل و تورات خداوند محافظت می نماید) بعد از الیاهو یکی
از شاگردانش بنام (الیشا نبی)

بجای وی به پیغمبری مبعوث شد
و وی نیز با خا نواده عمری بواسطه
تعمیم و انتشار تمدن و فرهنگ
بیکانه و مذهب شرك مغالفت
نموده و یکی از سرادار جنگی

را بنام « یهو » تحریک نمود
از اقلامی بر علیه خاندان عمری بر پا نموده و خود بر تخت سلطنت
بنشیند سردار مذکور هم مطابق صحبت الیشا رفتار نموده پس از
آنکه بكمك ملت آزوده دروخشمکین بر سلطان و طرفدارانش
مسلط گشت تمام افراد خانوادہ عمری و بت پرستان را نابود کرده
خود بر تخت سلطنت افرایم قرار گرفت.

ترجمه و نگارش م. کرمانیان - ۹-
دروست دو بیست سال که سلطنت افرایم بر پا بود سلطنت
یهودا هم در آرایش و خاموشی برقرار بود و ادامه داشت سلاطین
یهودا همگی از خاندان داوید بوده و برخلاف سلطنت افرایم در
تغییر و تبدیل سلسله ها وارد نبود و چون اراضی یهودا با عده کمتری
از ممالک معظم مثل آشور و اورام همسایه بود طبیعا کمتر مورد تعرضات
دولتهای استعماری آروز واقع میشد در زمان سلطنت « رحبام
پسر شلومو » فرعون مصر موسوم به « شیشک » بطرف اورشلیم روی
آورد ولی رحبام با پیش کشیهای فراوان خود را از شر حمله های
غراب کننده وی خلاص نمود هنگامی که (احآب) بر افرایم سلطنت
مینمود « یهوشافاط » (۸۷۴ تا ۸۵۰ ق م) بسر یهودا
فرمانروائی میکرد.

یهوشافاط بكمك احآب باارام جنگ کرد و برای برقراری
روابط نزدیکتر دختر احآب را موسوم به (عتلیا) برای پسرش
یهورام بزنی گرفت عتلیا بعد ها در زمان سلطنت شوهرش مانند
مادر خود ایزابل سعی مینمود که در اورشلیم مذهب بت پرستی را
رواج دهد و این موضوع باعث کشمکشهای فراوان شد یهوشافاط
برای اجرای اوامر الهی و فرامیختن تورات کاهنان و لاویان
اسرائیل را بشهرستانها مامور کرد و قضات با کدامن را بقضاوت
ولایات منسوب نمود تا مطابق قوانین مذهبی امور داد گستری
ملت را اداره کنند بعد از وفات یهوشافاط پسر او داده اش که اسامی
پادشاهان افرایم بر آنان بود سلطنت نمودند پسرش موسوم به
یهورام و نواده اش به « احزیاهو » مشهور بود موقعی که در کشور
افرایم سرداری بنام (یهو) بر پادشاه یورام بشورید احزیاهو بنابر
نسبت خویشاوندی و نزدیکی خود را وارد عمر که نمود ولی او هم
مانند یورام بدست کسان (یهو) کشته شد و عتلیا مادرش زمام امور
را بدست گرفت.

تاریخ مختصر یهود

عتلیا برای اینکه تاج و تخت سلطنت را از دست ندهد فرمان
داد تا تمام اولاد خاندان داوید را بقتل برساند از این جمله فقط
طفل کوچک یکساله ای موسوم به (یوآش) وضع معجزه آمیزی
بكمك نزدیکان سلطنت و کاهن بزرگ اورشلیم (کوهن گادول) از
دست دژخیمان رهائی یافته و در رخفا و پنهانی پرستاری و تربیت میشد
یوآش شش سال در خانه خداوند (بیت هبیه داش) بوسیله یهویاداع
کاهن بزرگ معبد تربیت یافت و عتلیا مانند مادر شریر خود ایزابل
در این مدت بترویج عبادات و رسوم شرك میپرداخت تا اینکه
یهویاداع کوهن یوآش طفل هفت ساله را از معبد بیرون آورده و
باشان دادن او بسر برد وی را برای سلطنت یهودا مسح نمود و
ملت را بر ضد عتلیا بشوراند ملت هم که از سلطنت عتلیا و امثال
او متنفر و بیزار شده بود عتلیا را کشته بساط شرك را واژگون و
یوآش را بر سلطنت خویش
برگزید.

در زمان سلطنت (امصیاهو)
فرزند یوآش جنگهای خانوادگی
بین سلطنت اسرائیل و یهودا
تجدید شد افرایم فاتح شده
یروشالیم را تسخیر و اشغال نمود
و امصیاهو را اسیر کرد امصیاهو مجبور شد فرامتن سنگینی شامل
جوهرات سلطنتی یهودا و ظروف قیمتی معبد مقدس را با افرایم
بپردازد ولی ساکنین یهودا بر امصیاهو شوریده و او را کشتند
و فرزندش (هوزیاهو) (۷۸۲ تا ۷۳۰ ق م) را بجای وی بنشانند
هوزیاهو سپاه منظم و مرتبی تشکیل داد و اقوام بلشتیم و ادوراشکت
داده سطح زندگانی را در یهودا ترقی داد در زمان این پادشاه امور
کشاورزی و تجارت توسعه یافت و ثروت فراوانی نصیب ساکنین
یهودا شد و ثروتمندان یهودا مانند بولدوران افرایم شروع کردند
که زندگانی خود را بیطالت گذرانند و از حاصل دسترنج کارگران
و مزدوران خود استفاده کنند و بدین وسیله فاصله میان فقرا و ثروتمندان
خیلی زیاد شد و این وضعیت در ایام سلطنت یوآش فرزند عوزیاه نیز ادامه داشت

جزئیات سازمانهای صیونسم
از بدو تا پیش از امروز
این مقاله را در قسمت بعد بدقت بخوانید و
بدبکران هم توصیه کنید که آنرا مطالعه نمایند.

تصحیح لازم
در شماره ۲۵ ضمن مقاله اطلاعات دینی خود را بیازمایید
ببینبران اسرائیل ۴۸ نفرند که ۷ نفر آن زن میباشد غلط
و جمله بینبران اسرائیل ۴۸ نفر مرد و ۷ نفر زن میباشد صحیح
است اصلاح فرمایید

تاریخ مختصر صونیزم
را به بهای ۲۰ ریال از نمایندگان عالم یهود منتها
تایک هفته دیگر خریداری فرمایید.

۴۳۷

۴۳۶

در سال ۱۷۷۹ در شهر «دوسلدرف» واقع در آلمان از یک خانواده یهودی طفلی دنیا آمد که اوراهانی نام نهادند و بعدها بنام هانری هاینه یکی از بزرگترین شعرای آلمان شد و اختراعات بزرگی نصیب او گردید.

در سال ۱۸۵۶ پس از چندین سال دوری از وطن در پاریس پایتخت با عظمت فرانسه وفات یافت.

هانری از کودکی با دختر عموش که بسیار زیبا بود بزرگ شد و این دوستی ایام کودکی بعدها به عشق آتشین مبدل گردید. شاعر مشهور دختر عموی خود را از جان و دل میسرستید و اشعار زیادی در وصف او میسرود اما بخت با او یاری نکرد و عموش که مردی بولدوست و طماع بود راضی باز دوام دخترش با هانری نشد و او را بدیگری داد و هاینه را بدر فراق مبتلا ساخت.



یچارگی و در ضمن شهرت هاینه از این وقت شروع میشود در همین هنگام بود که بواسطه

دوری معشوقه عزیزش اشعار آتشینی برشته نظم کشید هنگام اقامتش در آلمان بواسطه اشعاریکه بر علیه بعضی ها سروده بود مورد دشمنی سختی قرار گرفت و بنا بر این با دولت فوق مجبور بترك آلمان گردید و از آن پس مدتی در شهرهای آلمان و فرانسه ویلان بود سرانجام بیاریس مرکز علم و ادب رهسپار شد.

پس از چندی در پاریس گرفتار عشق دختری زیبا بنام «ماتیلدا» گردید و چندی بعد با وی ازدواج کرد و تا آخر عمر با هم بسر بردند.

در ۲۷ سالگی یعنی در سال ۱۸۲۶ شاهکار خود را بنام «ریزه یلدنر» یا «تابلوهای مسافرت» انتشار داد و بواسطه سرودن این کتاب آوازه شهرتش در سراسر اروپا پیچید و هانری نظر بملقه‌ای که فرانسه داشت آنرا بزبان فرانسه ترجمه کرد و در همین هنگام مشغول انتشار روزنامه‌ای هم بود.

در سال ۱۸۳۵ یکی دیگر از شاهکارهای معروف خود را موسوم به «آلمان» که کمی جنبه فلسفی داشت منتشر کرد. از آثار دیگرش «ترانه‌ها» است که قسمتی از آن شرح عشق سوزان او نسبت بدختر عموش میباشد دیگر از تألیفاتش «انترمزو» و «راب بشارش» میباشد که در کتاب اخیر شرح بدبختیهای ملت یهود و آزاری که دیگران نسبت باین قوم روا میداشتند تشریح گردیده است.

هاینه احساسات خود را بر علیه دشمنان یهود در کتاب معروفش موسوم به «الترتر» «النصور» که در سال ۱۸۲۳ منتشر گردید نوشته است.

هانریش - یا - (هانسری) هاینه

از آثار هانری هاینه

کتاب کتابها

توراة چه کتابی است! ... مانند دنیای بزرگ و وسیع، که پایه آن در قرخلت و در آسمان نلگون اسرار آمیز نهاده شده است. طلوع و غروب آفتاب، وعده ها و انجام آن، تولد و مرگ، تمام ناپیهای بشری در این یک کتاب جمع هستند.

این کتاب «کتاب کتابها» است یهودی ممکن است که برای ازدست دادن اورشلیم و خانه خدا و تمام جواهرات سلطنتی حضرت سلیمان تسلی یابد. ولی از دست دادن تمام آنها هنگام مقیاس در مقابل عظمت تورات که از طرف خدا بآنها هدیه شده هیچ است. اگر اشتباه نکنم حضرت محمد ص بود که یهودیان را مردان «علم و دانش» لقب داد یک لقب عالی که تا امروز برای آنها بجا مانده و کاملاً دارای معنی و مفهوم حقیقی است، و بواسطه همین یک کتاب است که میتوانند در ممالک خارجی زندگی کنند و همچنین بواسطه اجرای قوانین و دستورات این کتاب جاودانی است که یهودی بزندگانی خود ادامه میدهد و هستی خود را مدیون آن میباشد. و تمنی که از آن میرسد از این جهت شایان تحسین و تمجید فراوانی است.

ملتها ظهور کرده و نابود میشوند، کشورها باوج ترقی رسیده و منهدم میگرددند انقلابها در روی زمین ایجاد میگردد. ولی یهودی در پناه این کتاب بسر برده و بریش تعاقب کنندگان وحشی که بنای غوغا و ستیزگی را گذارده اند میخندد.

یادآوری لازم

همکار محترم ماسدیرخواندنیها در شماره‌های قبل مقاله های تفریحی یادداشت های حاجی آقا و مصاحبه با حاجی آقا را نقل نموده‌اند و ما از توجه ایشان نسبت ببندهجات عالم یهود متشکریم ولی امیدواریم لطف خود را زیادتیر نموده و از تحریف عنوان مقاله ها خودداری فرمایند.



هانریش هایه

بواسطه واقعه که تاکنون علت آن معلوم نیست در ۱۸۲۳ بذهب مسیح گروید ولی از نوشته‌های که بدوستش «یهودا ابرابانبل» مینوشت مستفاد میشود که این عمل از روی اجبار بوده است و بعدها در سالهای ۱۸۵۳-۵۴ کتابی موسوم به «اعتراقات» انتشار داد که عقیده کامل او را بذهب یهود آشکار میسازد.

هاینه بیکم بون ۱۷۸۴-۱۸۳۷ نویسنده معروف یهود خدمات بزرگی نسبت بایسرائلهای آلمان کرد و هیچگاه برای شناساندن عظمت ملت خود در نزد آلمانیها کوتاهی ننیکرد. هانری برای عالم اسرائیل و مخصوصاً کتب مقدسش اختراعات و تمجیدات عظیمی قائل بوده و همواره مفتخر بود از اینکه بلتی تملق دارد که اینقدر در مقابل فشار سختی مقاومت کرده و بیروز گردیده و اکنون هم زنده است.

«گراتز» مورخ معروف یهود درباره هاینه مینویسد «روح هانری مانند جویاری میبود که از اشه‌های آفتاب روشن شده و مانند قوس قزح برنگهای مختلفی خودنمایی میکرد» از همدان - یحیی بودعیم (دانش)

عشق هانری هاینه

پاریس غرق سرور و شادی و مامن شعر و ادب بود، همه را بسوی خوش میکشید خویها و شادیاها همه را بچراغ و فعالیت دعوت میکرد، از کودک ده نشین تا شاعر بلند پرواز همه شیفته دیدار پاریس عزیز بودند.

در گوشه خیابان (شوازل) در یک دکان کوچک دستکش فروشی دوشیزه زیبا و شاداب که نمونه‌ای از دختران ده نشین - آزاد طلب - سعادت مند و در ضمن بی فکر و ساده - ست فروشنده‌گی داشت.

او در سنین شباب بود و تازه از دهکده تولدگاه خویش توسط عهانش بشهر آمده بود و تازه به جایب و زیبایی عروس دنیا آشنائی پیدا کرده بود، رنگ صورتش گلگون و شفاف، چشهای آ شوگرش زیبا و جذاب، دماغش کوتاه و سر بهوا، لبهای قرمز و نمکین اندامش موزون متناسب و دوست داشتنی توأم بایکدنیا ملاحظ و نشاط بود.

نگاه هایش ساده و بی غل و غش - یانش دلنشین و گیرا - صوتش موزون و ملیح - اخلاقتش آرام و ملایم - رفتارش متین و موقر - خلاصه خنده رو - بحال نمونه کامل اشخاص ده نشین بود و چون تازه از ده کوچک خود قدم بشهر بزرگی آنهم پاریس نهاده بود دلش میطپید و میخواست هرچه زودتر یکبار از تمام خویها - خوشیها و زیباییها تمتع برگردد و تا حد امکان از نوشابه های گوارا و شامیانی معروف فرانسه بنوشد و از لباسهای فاخر مد پرستان تقلید نماید و بکلیه تفریح گاههای متعدد پاریس که محل رفت و آمد متمولین است رفت و آمد نماید.

یکروز یکی از دوستان هاینه که با «مانیلا» نیز آشنائی داشت چند بیت از اشعار هانری را که در وصف زنان سروده بود برای این دوشیزه زیبا پسند فرانسه ترجمه نمود و این ترجمه بقدری در وی مؤثر افتاد که همیشه باصدای دلنشین خود آنرا زمزمه میکرد و از گوینده آن تعریف و تمجید مینمود تا اینکه از قضا و قدر روزگار یکروز گذار هانری گوینده آن ترجمه نیز بآنسو افتاد و چون دل هانری از عشق دختر عموش ناامید و دردمندگشته و طالب دوستی و عشق تازه‌ای بود بزودی با وی انس و الفت یافت و انقلابی در روح و دلش پدید آمد بطوریکه اراده کرد آن دختر بی سواد را از خواندن و نوشتن بی بهره نگذارد و از علم و ادب بهره مندش گرداند.

از آن پس باهت عالی و سعی وجدیت او را تشویق بعلم و ادب کرد و نوشتن باو آموخت اما هیهات که شاعر جوان آنطور که میخواست (مانیلا) بخواندن و درک کردن کتب ادبی قادر نشد ولی این مساعی و دیر فهمی سبب جدائی و ناامیدی از عشق وی نگشت و هانری با وی ازدواج نمود.

سالها با یکدیگر بخوشی بسر بردند و همان دختر دهانی چنان کانون سعادت و محبتی برای هانری تهیه کرد و چنان راحتی و آسایش برای وی مهیا نمود که بارها مورد تحسین شاعر جوان قرار گرفت و آخرین عشق او را تشکیل داد.

شاهری

آخرین کلمات او این بود بر سنک قبر من فقط این جمله را بنویسند (قربانی اجتماع)

در حال احتضارش دیدم دختری بود در صباحت و ملاحظ بی نظیر ولی چه سود که طبیعت غدار بیش از چند لحظه‌ای از دقائق حیاتش باقی نگذاشته است در بالینش نشستم و اشک تحسر از دودیده باریدن گرفتم گفتم بگو نامت چیست که ای . چستی، چرا در اوان دوران جوانی بچنین حال رفت بار دچار گشته‌ای تگاهی با چشمان یغروغش بین نمود گویی تمام قوای خود را در این هنگام یکجا جمع کرده و می خواهی برای آخرین بار از حال خود فردی از افراد اجتماع را که تا چند صباحی قبل خودت نیز یکی از اعضاء او را تشکیل میداده است و حاله می خواهد خواهی نخواستی این اجتماع تنگین و خلاصه این اجتماعی که او را بدین صورت در افکنده است ترك كند آگاهی دهد گفتا چه گویم که هستم چرا میخواهی در این آخرین دقائق زندگی بیش از پیش مرادچار اندوه نموده و ننگ بر زخم جگر ریشم باشی من هیچ بودم و هیچ بر میگردد من گلی بودم که طبیعت چند روزی مرا برای اطفاء شهوت همچنانم راهبری کرد و حاله که دیگر از حیز انتفاع خارج دیده است مرا از خودت رد و بدین وضع دچار کرده است من گلی ناشکفته‌ام که ایام بهار را ندیده‌ام چار تندباد خزان گردیده‌ام، خلاصه بگویم من باید امروز رکنی از ارکان یک خانواده را تشکیل دهم آرزوهائی بس دور و دراز در مغز خود میرویدم خود را مادری میدیدم که اطفال کوچک خود را در آغوش مهربانی خودش نشترده و برای مبارزه در صحنه طبیعت در دامان تربیت میشدند، من جوانانی را میدیدم که باذت های من پرورش یافته و برای دفاع از نام وطن خود را حاضر میکردند، آری من خوشبخت بودم و جز خوشبختی فکری در باره خود ننیکردم چکنم تا خواستم چشم خود را باز کرده اطرافم را بنگرم خویشتم را در روانی بدنامان و در منجلاب تیره روزی غوطه ور دیدم.

من خود نیدانم او را چگونه بن تعبیل کردند من کجا و او کجا دختری شانزده ساله کجا و مردی پنجاه ساله کجا فقط میدانم ماشین سواری آخرین سیستم او قلب مادر طماع را بخود معطوف نمود و کور کورانه مرا در آغوش افکندند گریه‌های من در قلب چون سنک مادر تأثیری نکرد شیونهای من بجائی نرسید زار زار گریستم و بازبان بی زبانی ماجرای امروز را برای او آری برای همان مادر ستمکش شرح دادم گریبان چاک کردم بجای گل خاک بر سر ریختم اما چه خوب بود آرزوها اقلاً بر بدبختی خود سیل سرشک فشاندم چه خود امروز را در آینه خیال دیده بودم و میدانستم شاید در آخرین دقائق احتضار کسی نباشد که بر من افسوس خورد و باقطره اشکی بفشاندم مرا بمنزل امید و با بهتر بگویم بمنزل شوهر فرستادند. چه شوهری که جز اطفاء شهوت نفسانی خود نظری بقیه در صفحه ۴۴۶

خوشا بحال کسیکه صاحب نیروی اراده است، اگر روزی هم دچار رنج و مشقت شود آرام او بطول انجامد. (تنی سون شاعر انگلیسی)

جوانی بلند اندام و سینه گشاده، شاش و سرور و باعزم و اراده که پیشانی بلندش نشانه علو طبع و صورت کلکونش از شرف و سرور باطنی او گفتگو میکرد از کردستان بطهران مسافرت میکرد تا شاید در مرکز بکمال هوش سرشار خود بکاری مشغول گردد.

پس از چندین سال زحمت و رنج و مشقت اندوخته ای برای خویش فراهم نمود تا بتواند بشغل آبرومندی بپردازد و بعد همسری انتخاب کند و سعادت آیه اش را تأمین نماید که وسيله خوشنودی و رضایت والدین خود گردد.

پس از اندک زمانی دوشیزه ای مطابق ذوق و هم شأن خود دید و باو دل باخت و بهمسری خویش انتخاب کرد اما روزگار با او بی وفائی کرد که یکماه پس از عروسی شبی خانه اش بتاراج دزدان رفت و صبح که دیده گشود خود را از هستی ساقط یافت.

باوجود این هنوز آن جوان برومند و توانا بود و غم و اندوه بدل او راه نیافت و غبار غصه بوجود تر و تازه اش ریخته نمیکرد و بلاوه تنها مایه سعادتش که همسر محبوبش بود هرگز از او جدا نمیشد و بکمال دوستانش همواره سبب تسکین قلب او میشد بطوریکه آن جوان بارها میگفت: «من همه چیز دارم - و دزدان نتوانسته اند دربینم و اساس سعادت من ریخته کنند و کاخ نیکبختی مرا واژگون نمایند.»

جوان با همان نشاط اولیه، و با همان سرور و خوشحالی و بادلی بر شورت بکمال هوش و فراست زن خردمندش شروع بکار کرد و در اندک مدتی بدون آنکه خود را بیازد و با اندک تر زلی میخورد زبانه دهد سرمایه جدیدی پیدا کرد و با ایمان و توکل که بخدای اسرائیل داشت بر سختی ها فائق آمد و آشتیکهای زندگی را بر طرف نمود، رنجها و مشقات را فراموش کرد و با اراده استوار و عزمی آهنین پیروز و رستگار شد.

امروز که کمتر از ده سال از آن مدت میگذرد یکی از تاجر معروف و رسمی بازار گشته و کتر کسی است که با بردن نام وی - او را نشناسد و کتر کسی است که با شناسائی او لب تحسینش نکشاید از دوستی و معاشرت او صحبت بیان نیاورد و از رحم و عطوفت، مهربانی و رافت وی تعریف و تمجید ننماید.

(نگارش شاهی)

بقیه از ۲۴

از لحاظ بهداشت

مضرات قمار از لحاظ بهداشت بسیار است ولی ما معدودی را ذکر میکنیم که گفته اند ممت نمونه خروار است و امیدواریم که همین مختصر معنادین را عبرتی باشد تا دست از این عادت مذموم بردارند.

بیشتر مضرات بهداشتی قمار ناشی از اینست که قمار بواسطه حرص مخصوصی که در وی تولید میشود بهیچوجه حاضر نیست اینست که قمار بواسطه حرص مخصوصی که در وی تولید میشود بهیچوجه حاضر نیست دست از بازی بکشد زیرا اگر برده باشد طمع فطری و اگر هم باخته باشد حس تلافی او را بادامه قمار و ادار میکند. از اینرو بهداشت و تندرستی وی بتدریج رو بخرابی میگردد بطوریکه ذیلا شرح آن داده خواهد شد:

(۱) حرص قمار قمار را مجبور میسازد که از ساعات استراحت و خواب خود گرفته برای آن بلای خانمان سوز صرف و نیروی جسمی خود را بدین طریق در راه دشمن جانی خود خرج نماید. در نتیجه مرض بیخوابی که امراض گوناگون عصبانی زاده آن هستند بتدریج زیراب صحتش را کشیده و او را از یاد میآورد.

(۲) بی ترتیبی در اوقات غذا خوردن و قهیدن لذت غذا که مضرات بهداشتی آن مستغنی از شرح و بیان است عامل بزرگی برای ناخوشی های مربوط بهاضمه میباشد.

(۳) معنادین قمار غالباً وقت برای استحمام و نظافت و اصلاح پیدا نمیکند و نتیجه آن نه تنها از حیث ظاهر موجب تنفر میگردد بلکه از لحاظ بهداشت نیز صحت ایشانرا خراب میکند.

(۴) آیا باور میکنید که بعضی ناخوشی ها از قبیل بواسیر و غیره دامنگیر قمار بازان شده است؛ یکی از پزشکان بزرگ چندی قبل برای

نهضت کارگری در ارض اسرائیل دارای يك عقیده است و آن (گشولا) یا نجات میباشد. اما این نجات؛ نجات انفرادی و یازهائی قسمتی از ملت نیست بلکه این نجات باید کامل و يك گشولای تمام معنی باشد.

نهضت کارگران یهودی گالوت که اکثر آنها مخالف با صیونیزم بودند بگوش کارگر یهودی گالوت که دهها سال پیش با فقر و فاقه زندگی میکرد چنین فرو میخواند: آزاد شو، تحت سازمان درآی و ضمناً مختصری از شرایط کار روزانه را نیز باو آموخت که از چه راهی بهتر میتوان با مشکلات نبرد نمود لیکن یش از این باو تعلیمی نداد.

این نهضت تفهیمه بود که وضع کارگر یهودی نه تنها مثل سایر کارگران نامطلوب است بلکه وضع کارگر یهودی بیشتر باین لحاظ بد است که در گالوت بسر میرد - گالوت عبارت است از قتل و غارت و تاخت و تاز اجانب نسبت یهود، نداشتن زمین؛ کارهای غیر عملی که فکر را خسته میکند. قرنها بود که ملت یهود از زمین دور و از صنایع دستی بی خبر بود لذا مجبور بود بکارهای جزئی و کم اکتفا کند و هنگامیکه باو میگفتند تحت سازمان باش تا آسایش یابی هنوز همه چیز را باو نگفته بودند دیگران بگوش جوانان یهود میخواندند: آزاد باش. وابسته بدیگران مباش ترا چه بسائل ملی و فکر ملت؟ تو جوانی - عاقلی باید تمام هم خود را صرف زندگی خویش نمائی - این افکار نیز عاقبت خوشی برای توده جوان دربر نداشت زیرا وضعیت و مشکلات جوانان با مشکلات ملی مربوط است و وقتی در گالوت کاری که بتوان در بر توان خود و ملت را آزادی بخشید وجود ندارد پس آنان چه کنند؟

در این صورت نهضت کارگران یهودی ارض اسرائیل تمام این مطالب را يك رابطه ناگسستی بخشید که در نتیجه هر کس که طالب آزادی شخصی خود میباشد راه آزادی خود و تمام بشر را جستجو کند.

بعضی ها که رابطه ملت و تمدن ملی خود را حس نمیکردند میخواستند همه چیز را باسانی از سر خود رد کنند - آنان میگفتند هنگامی که بشر آزاد شود نجات اسرائیل نیز خود بخود فرا خواهد رسید اما این جنبش ما تأثیر عینی داشت که دریافته بود بنی آدم با معجز وورد یادعا و جادو آزاد نخواهد شد و هیچکس نیز بوسيله شخص دیگری حریت نخواهد یافت بلکه هر کس باید علا بوسيله خویش آزاد شود و موقعیکه نهضت ما آزادی کامل را خواستار شد نمی توانست بر اهائیکه پیدا شده بود متوسل شود، لازم بود راهی را تجسس کند که آزاد شدگان بتوانند در آنراه قدم گذارند.

از کتاب سرنوشت و آینده یهود ترجمه ضیق بقلم: پروفیسور آرتور روپن

جدول جمعیت اسرائیل دالوت خانه دوم تا کنون

سال .. بعد از میلادی	مجموع شماره یهودیان	رسانا تا (نسبت بصد)	
		در اروپای آفریقایی	در سایر قطعات جهان
۷۰	۵۰۰۰۰۰	۲۰	-
۱۰۰۰	۲۵۰۰۰۰۰	۱۸۰	-
۱۴۹۰	۱۵۰۰۰۰۰	۴۵۰	-
۱۸۰۰	۲۵۰۰۰۰۰	۱۵۰	۱۰
۱۸۵۰	۴۷۵۰۰۰۰	۷۲۰	۱۵
۱۸۸۰	۷۷۵۰۰۰۰	۷۵۰	۳۵
۱۹۰۰	۱۰۵۰۰۰۰۰	۶۱۰	۱۱۶
۱۹۳۸	۱۶۷۰۰۰۰۰	۴۶۰	۳۲۳
۱۹۴۵	۱۹۵۰۰۰۰۰	۱۶۰	۵۴۴

تقریباً

بقیه از صفحه ۴۳۴

آیا شرم آور نیست؟

وشهات خود را از دست ندهند و آلت دست چند نفری جاه طلب قرار نگیرند و انجمن سازی و دسته بندیهای متضاد و مختلف را ترك کنند و متحداً در سایه يك سازمان متشکل، نهضت ملی خود را ادامه دهند میتوان تا اندازه ای امیدوار بود که خرابی یش از این نخواهد شد.

از قراریکه اخیراً شنیده شده است دسته ای بنام «سازمان فرهنگی یهود» بوسيله عده ای از جوانان تشکیل گردیده است ولی ما از باطن امر اطلاعی نداریم. بظاهر عمل و مرامنامه آنها تا اندازه ای میتوان خوشبین بود. اگر مقصودشان اجرای مرامنامه بر مغز و خوش رنگ و بوی قابل اجرا باشد شاید بعضی از نواقص و خرابیهای جامعه اسرائیل ایران زرفع گردد.

امیدواریم مقصودی جز خدمت بجامعه و وطن عزیز خود ایران نداشته باشند و نیرو و طاوت جوانی خود را در راه سعادت و ترقی برادران عقب افتاده خود بکار برند ولی باوجود این نمیتوان اعتماد جامعه را نسبت بهیچ يك از دسته ها و انجمنها جلب کرد مگر اینکه نتیجه مثبتی که بفتح جامعه باشد از آنها مشهود گردد.

بر جوانان لازم است که بگرد هم جمع شوند دانشمندان و اشخاص مجرب و کاردان و روشنفکران را دعوت کنند و با تشکیل يك سازمان ملی شرمندگی و سرافکندهای این جامعه دردمند را رفع کنند.

بسوی او

ماها بانتظار گذشت و خبری از او نشد. اوه! چه قلبی دارد گویا مرا فراموش کرده است - نیدانم من مسکین چه گناهی را مرتکب گشته ام! ... خدا چقدر عالم زار است دیگر قدرت اشک ریختن هم ندارم. آیا باید باز هم بانتظار نشست. صدای هیچکس حتی پرنده ای هم شنیده نمیشود چه بیابان وحشتناکی است تنها آه سردی که از درونم بر میخیزد در هوا موج میزند و بسوی آسمانها اوج میگیرد میروند تدر آن گنبد مینائی غوغائی بر پا سازد ولی افسوس که باز هم از او خبری نمیشود.

طاقم طاق شد، می خواهم پهنوی شده خود را بدامنش افکنم - براه افتادم و دوان دوان بطرف دریا شناختم تا شاید او، آن معبود عزیزم را بیابم چه راه دور و درازی، چقدر مشکل و طاقت فرسا است در این بیابان پیش میروم و همه جا ناله های حزن انگیزم را سر میدهم، باز هم جلو میروم احساس میکنم که کم کم باهیم خسته میگردد دیگر تاب میموند راه ندارم ولی نه، باید بروم، باید او را بیابم و خود را بدامنش افکنم.

اوه پروردگارا مگر این جاده را بایانی نیست؟! ..

(سعید فروزان)

نشاط و شادمانی زن ضامن سعادت خانوادگی است

بانوی عزیز؛ چرا کسل و اندوهگینی؛ چرا چهره‌ات عبوس و گره در پیشانی انداخته‌ای؛ مگر دنیا برای توتنگ است؛ مگر لذات دنیا برای تو آفریده نشده است؛ مگر لذت بردن و خوشحال بودن انحصارست؛ قدری جریده؛ اندکی همت؛ کمی پشت کار و فعالیت آنوقت خانه شوهرت از فروغ دیدگان و ازبشاشت و نشاط تو روشن و منور خواهدگشت. آنگاه دنیا برزی تو لبخند مسرت خواهد زد؛ آنوقت حیات تو بکامت شیرین و دنیا در نظرت بهشت برین خواهد شد.

مگر نمدانی که شادمانی و نشاط نخستین شرط و وسیله صحت و سلامت عمومی است؛ پس چرا سلامتی خود و اطفالت همت نیگماری چرا تعلل میورزی؟ چه فکر میکنی؟ آیا در آن اندیشه‌ای که فاقد استعداد و نشاط میاشی؟ پس چه فکر میکنی؟ چرا شوهر خسته و در مانده خود را که بهترین مرجع امیدش کانون بر محبت خانوادگی است میآزاری پیوده تمارض مینمائی تاثیرگی روابط تو و شوهرت باعث مسومیت روح طفل؛ یعنی ثمره حیات تو گردد و از نمو جنسی او جلوگیری نماید.

آیا سعادت خود و طفلت علاقمند نیستی؟ پاسخ چه خواهی داد؟ کلیه علائم و مشخصات جسمی و اخلاقی تو طور است که گویی گل ترا برای شادی و نشاط آفریده‌اند و در بر تو همان نشاط و انبساط خاطر بعدی میتوانی منزلتی یابی که مردها را بدان دسترسی نباشد زیرا استعداد نشاط و شادمانی تا اندازه‌ای مربوط بسلسله غدد داخلی است و سلسله غدد داخلی زن بر مراتب بیشتر از مرد سریع تاثیر و حساس میباشند.

لذا زن خیلی بهتر از مرد میتواند بصورت انواع و اشکال نشاط و شادمانی توفیق حاصل کند.

پس چرا جنبشی نمی کنی و از این حسن که طبیعت برایگان در وجود تو

بخانم کدبانو

- ۱- اگر تخم مرغ را در یخچال نگاهداری میکنی قبل از مصرف آن چند دقیقه در هوای آشپزخانه که قدری گرمتر است بگذارد تا اگر بخواهد در آب بجوشاند مانع ترکیدن آن شود و اگر بخواهد آنرا بزیند در موقع پختن حجم آن زیاد می شود.
 - ۲- ساندریج هائی که در یک پذیرائی زیاد می آیند دور نیندازید آنها را با کره سرخ کرده قبل از سرد شدن میل نمائید خیلی لذت بخش خواهند بود.
 - ۳- برای جدا کردن زرده از سفیده تخم مرغ بدین طریق عمل کنید: قیفی را در لیوانی قرار دهید تخم مرغ را شکسته توی قیف بریزید سفیده از لوله قیف پایین می آید و زرده میماند. زرده را در ظرف دیگر بریزید و این عمل را تهر چند نوبت که میخواهد تکرار کنید.
 - ۴- برای جلوگیری از خورد شدن ماهی سرخ شده در موقع بیرون آوردن آن از تابه قبل از اقدام بسرخ کردن یک تیکه پارچه تمیز در روغن تابه بگسترانید و ماهی را روی آن سرخ کنید پس از بخته شدن چهار گوشه پارچه را بگیرد و آهسته در بشقابی که میخواهد سر سفره ببرد برگرداند.
 - ۵- برای شناختن ماهی تازه بطریق زیر امتحان کنید: گوشت آنرا با انگشتان خود فشار دهید آنرا رها کنید اگر گوشت بحالت اول بر گشت ماهی تازه میباید ضربه اندامی تازه میباید دارای چشمان شفاف و گوشهای قرمز میباید.
 - ۶- ظروف تفره خود را با پارچه نرم در آب صابون و سپس در آب گرم بشوید و اگر لکه سیاهی در آنها می بیند با پارچه آغشته بامونیاک آنرا بر طرف کنید.
- « ترجمه: عطاء الله لوائی »

چشم دیده بان بدن و نگهبان تن است پس باید در نظافت و نگهداری این دیده بان حتی المقدور کوشید و تا ممکن است در صحت و سلامتی این عضو اصلی بدن کوتاهی ننمود چه آنطور که شاید و باید در نظافت و بهداشت چشم دقت نشود بواسطه لطافت مستعد کسب همه گونه بیماریهای مختلف و بخصوص تراخم خواهد بود.

تعریف - تراخم یا گرانولاسیون مرضی است مسری و مشخص که بطور مزمن سیر میکند در این بیماری ملتحمه چشم ضخیم شده و دانه هائی روی آن قرار میگیرد و بیماری در سیر خود بقرینه سرایت کرده و در ملتحمه چشم انساج التیابی باقی میگذارد.

این بیماری در هر سن و سالی دیده میشود و هر دو چشم مبتلا میشود از نظر عوارض و عواقب خطرناکی که دارا است بیماری خیلی مهمی بشمار میرود.

اشخاصی که بدین بیماری مبتلا میشوند ممکن است مدتها هیچ دردی در چشم خود حس نکنند چه این بیماری بدون سر و صدا بسیر خود ادامه میدهد و موقمی بیمار از چشم خود شکایت خواهد داشت که عوارض این بیماری شروع یا

بیماریهای دیگر چشم با آن توأم شود و در این دو موقع است که چشم بز شک تشخیص تراخم را؛ به بیمار اعلام میدارد آماری که

از ناینایان (در نتیجه بیماریهای چشم) گرفته شده چنین نتیجه داده است که ۸۰ در ۱۰۰ این ناینایان بعلت ورمهای ملتحمه چشم بوده و مهمترین ورم ملتحمه چشم که باعث ناینائی میشود همانا تراخم است (ناینائی کسی است که از فاصله یکمتر نتواند انگشتها را بشمارد).

«تروسو» تراخم را از قدیم الایام میشناخته است در علت یدایش این بیماری در سالهای اخیر مطالعات و تجسسهای زیادی بعمل آمده و هنوز علت مولد آنرا کاملاً معین نکرده‌اند و فقط باین نتیجه رسیده‌اند که عامل مولد این بیماری یک نوع ویروس است.

سرایت تراخم بیشتر مربوط بعدم رضایت شرایط بهداشتی - نداشتن آب و محل حسابی - ازدحام - کثافت - فقر و فلاکت و بدی تغذیه میباشد تراخم در چشمانیکه ترشح زیاد و ورم ملتحمه ساده داشته باشد بیشتر است انتقال و سرایت تراخم بیشتر بتوسط دست - حوله - دستمال جیب - اسبابهائی که بدست اشخاص مبتلا آلوده شده، دود و گرد و خاک انجام میگردد.

۱- سن - این بیماری در اطفال بیشتر سرایت دارد و هرچه سن طفل کمتر باشد سرایت آن بیشتر است و طبق آماری که از ۲۰۰۰ طفل مصری بین ۱ - ۴ سال برداشته شده چنین نتیجه داده است؛ در سن چهار سال ۲۰ در ۱۰۰ در سه سال ۳۰ در ۱۰۰ دو ساله ۴۵ در ۱۰۰ و یکساله ۶۰ در ۱۰۰ بوده است.

۲- آب و هوا - میگویند در نقاط مرتفع بعلت صافی هوا و کمی گرد و خاک مرض تراخم کمتر دیده میشود ولی این موضوع صحیح نیست زیرا در دلتای مصر و همچنین در فلاتهای آسیای مرکزی تراخم بحد نفور شیوع دارد.

۳- درجه حرارت - هرچه هوا گرمتر باشد شیوع تراخم زیادتر خواهد بود و در نقاط گرمسیر تراخم زیادتر دیده میشود.

۴- وضعیت اجتماعی - این عامل تاثیر زیادی در شیوع تراخم دارد هرچا که ازدحام زیاد و وسائل بهداشتی بد و کم باشد تراخم بیشتر شیوع خواهد داشت اعم از آنکه گرم یا سرد مرتفع یا پست باشد.

این مسئله بیشتر در سرباز خانه‌ها و مدارس که اصول بهداشتی رعایت نمیشود بیشتر دیده میشود و از این نظر است که باید همیشه این موسسات برای رعایت اصول بهداشتی افراد آن مورد معاینه پزشکی بخصوص از نظر چشم قرار بگیرند.

بیشگیری - چنانچه در بالا گفته شد دست آلوده - حوله - قطیقه دستمال - منکا - مگس و سایر عوامل باعث سرایت تراخم میشود بنابراین باید تا ممکن است از دست دادن با اشخاص خودداری کرده و حتی المقدور دست بچشم نزد و در روز چندین مرتبه دستها را شست دستمال، دستکش، حوله، قطیقه و منکای اشخاص حتی اهل خانواده را هم استعمال ننمود چه دیده شده است در یک خانواده که یکی از افراد آن مبتلا بوده از این راه سایرین را هم مبتلا نموده است.

در خانواده‌ها باید دقت کامل بعمل آید باید در نظافت و بهداشت اطفال خود کمال مراقبت را بعمل آورده از بازی کردن آنها در کثافات و گرد و خاک مانع شوند.

کلفت و نوکر را در موقع ورود بخدمت معاینه کامل نمایند و چون متذکر شدیم اطفال کوچک زودتر مبتلا میشوند باید اشخاص مبتلا از بوسیدن اطفال معصوم خود و سایرین احتراز کنند.

چقدر خوب بود اگر والدین اطفال این عمل را درباره کودکان در مورد هر کس قدغن مینمودند چه نه تنها این بیماری از راه بوسه و تماس چشم مبتلا بچشم سالم سرایت مینماید بلکه اغلب بیماریهای دیگر هم از راه بوسیدن انتقال پیدا میکند.

اولیای مدارس هم در موقع اسم نویسی دانش آموزان همان طوریکه برگه آبله کوبی و صحت مزاج میخواهند بایستی ورقه مخصوص هم از نظر معاینه چشم طلب کنند و در غیر اینصورت دانش آموز را بدیستان یا دبستان راه ندهند چون دیده شده است که اطفال قبل از دخول بدیستان از بازی کردن در کوچه با کثافات باین بیماری مبتلا میشوند.

اولیای دبیرستان یا دبستان با اخراج دانش آموز مبتلا از آن موسسه والدین طفل را در معالجه او مجبور مینمایند.

بزرگان محترم یهود از نوشتن مقالات بهداشتی برای درج در عالم یهود خودداری نفرمائید.

طریقه خوابیدن
مریض - آقای دکتر نیدانم شب بکدام پهلو بخوابم
دکتر - آقا هیچوقت پهلو چپ نخوابید چون برای قلب ضرر دارد پهلو راست هم نخوابید زیرا ممکن است مرض آبانیدسیست گرفتار شوید دمو هم نباید خوابید چون نفس تنگی می آورد به پشت خوابیدن هم برای هضم غذا مضراست.
مریض - آقای دکتر پس در اینصورت باید ایستاده خوابید؟
دروحکمه دکتر
مریض - آقای دکتر نیدانم چه مرضی دارم مثل این که کره‌ای راه کلوم را چنگ میزند. دکتر - آقا پس خواهش منم بسک من رجوع کنید.
مشهد - پرویز نامدار

۱- سن - این بیماری در اطفال بیشتر سرایت دارد و هرچه سن طفل کمتر باشد سرایت آن بیشتر است و طبق آماری که از ۲۰۰۰ طفل مصری بین ۱ - ۴ سال برداشته شده چنین نتیجه داده است؛ در سن چهار سال ۲۰ در ۱۰۰ در سه سال ۳۰ در ۱۰۰ دو ساله ۴۵ در ۱۰۰ و یکساله ۶۰ در ۱۰۰ بوده است.

۲- آب و هوا - میگویند در نقاط مرتفع بعلت صافی هوا و کمی گرد و خاک مرض تراخم کمتر دیده میشود ولی این موضوع صحیح نیست زیرا در دلتای مصر و همچنین در فلاتهای آسیای مرکزی تراخم بحد نفور شیوع دارد.

۳- درجه حرارت - هرچه هوا گرمتر باشد شیوع تراخم زیادتر خواهد بود و در نقاط گرمسیر تراخم زیادتر دیده میشود.

تیم و بی نوا انسان از یکطرف متأثر میشد و از طرف دیگر چون آنها با گرفتن کفش و لباس خوشحال میشدند یک انبساط و لذتی بجا میزدند دست میداد پس از توزیع آقای کلاین بوم (از طرف سوخت) پس از اظهار تشکر از اقدامات خیر خواهانه انجمن بانوان و کارکنان دبیرستان اتحاد شرح مبسوطی دایر بلزوم و وحدت ملی ایراد نمودند که با کف زدن منته حاضرین خانه یافت و بعد از ایشان آقای میکائیل از طرف انجمن خیرخواه روی سخن خود را باطفاً ننوده ضمن نصیحتی که به آنها نمودند به آنها توصیه ننوده بودند که شما باید در نظر داشته باشید که ترقیات شما مرهون زحمات و الطاف کریمانه دیگران است و نباید هیچگاه در آتیه فراموش مائید و بنوبه خود وقتی ثروت مند یا توانا میشوید باید بدیگران کمک نمائید و مانند بعضی از اشخاص ففلی که زحمات آلبانس را فراموش ننوده اند نباشید. مجلس مقارن ساعت ۵ بعد از ظهر با یکدینا مسرت و شادمانی خاتمه یافت.

بارندگی بی سابقه

روز ۴ شنبه ده بهمن در تهران و اطراف شروع بباریدن برف ننود و مدت ۳۴ ساعت متوالی بارندگی شدید شده است. این بارندگی بحدی شدید و زیاد بوده است که مدت بیست سال است در تهران سابقه ندارد و مجدداً از ساعت ۴ بعد از نصف شب روز ۵ بهمن ریزش برف شروع و تا ساعت ۱۴ ادامه داشته است و از طرف وزارت راه و شهرداری تهران اقدامات مجدانه برای باز کردن راههای خارج و تمیز کردن شهر تهران بعمل آمده است.

جشن حنوکا در آبادان

در آبادان موقع جشن حنوکا جشن مفصلی توأم با نمایش تاریخ حنوکا و شرح انقلاب مکابها و متباهو داده شد.



عکس بالا یک منظره از نمایش را موقعی که متباهو فرزند خود یهودارا براخا میناید و اورا بجنگ باطایفه هیانیم دستور میدهد نشان میدهد.

اصفهان

از قرار خبرهای رسیده در اصفهان هم اختلافات شدیدی بین جوانان و انجمن تولید و دو دستی ایجاد شده و در اثر این پیش آمدها امور ملی و محلی مختل گردیده است.

شیراز

اخیراً در شیراز هیئتی از جوانان تحصیل کرده و فعال بنام هیئت خیرخواه اسرائیل تشکیل گردیده است که مرام آن « کمک و مساعدت بمحصلین بی بضاعت و تربیت و آماده نمودن آنها برای آتیه » میباشد.

الکلی را برای چه وقت گفته اند؟ مگر خواجه حافظ نکفت. هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی کاین کیمای هستی قارون کند گذارا - چرا دور میرود؟ مگر حضرت سلیمان که یکی از انبیای خودمان است توصیه فرمود که نوشابه های الکلی را بکسانی که چیزی کم کرد و تلخ کام هستند بدهد تا از غم و اندیشه فارغ شوند؟ (گویی حضرت سلیمان گفته بود که عمداً مال خود را بر باد ده و بعداً برای فراموش کردن آن میکساری کن! زهی استدلال!)

باری بیمار قمار برای اینکه درد بی بولی و باختگی را در اطراف عمل بازی احساس نکنند متوسل باستعمال نوشابه های الکلی شده آنها را بیهوشی عمومی خود قرار میدهد و از این رهگذر هم یک آفت خانمان براند دیگر (یعنی میکساری و الکلیسم) بر مضرات بهداشتی فوق مزید می کند.

۴- از لحاظ اجتماعی

طبق اصول علم ثروت یا اقتصاد سیاسی Political Economy بولی را که از راه قمار و حتی از انواع شرط بندی ها بدست بیاید نمیتوان ثروت دانست زیرا ثروت حقیقی باید در نتیجه انجام کاری یا عمل آوردن چیزی که برای جامعه سودمند باشد تولید شود.

خیاط در مقابل تهیه پوشاک و بقال در ازای تسهیل خرید خوراک و پزشک برای نجات جسم و آموزش کار برای تربیت عقل و روح هر کدام سزاوار دستمزدی هستند که از نظر اجتماع و از لحاظ علم اقتصاد محترم است لکن قمار باز را نه تنها موقعی که دارایی خود را بدست خود بیاد داده باشد بدیده حقارت می نگرند بلکه موقعی هم که پول دیگران را از مجرای قمار بچیب خود داخل کرده باشد محترم و ارجمند نمی شمارند زیرا برای جامعه که سودمندی ننکرده و محصولی بار نیآورده است که باری از دوش جاسم بردارد یا مرهمی بر زخم آن بنهد.

این بود پاره ای از مضرات قمار که اگر درخت آنرا با تبر هت از بیخ بر نکنیم ثمره آن قمر و فلاکت یا زراع خانوادگی و نکیت یا انحر و محنت یا شرمساری و خجلت یا اتحار و یا همه آنها با هم خواهد بود اکنون برادر و جوانان همکیش و هم زاد خود را توصیه میکنیم که لغتی در این امر و در عاقبت خود بیندیشند و اگر تازه وارد حلقه مقامین شده اند تا امب نجات باقی است با استعانت از خدا حلقه را در هم شکنند و از این بلا خانمان سوز رهایی یابند.

ضمناً از هیئت محترم تحریریه عالم یهود استعفا داریم پس اظهار نظر خود راجع بطرز تجربه این مبحث در انجمن روحانی اولاً نظر دیگرانرا بخواهند ثانیاً تهیه جواب این سؤال را که

پس چه چیز را باید جانشین قمار کرد بخصوص در مواردی که شخص از کار و کسب روزانه یا تحصیل در مدرسه یا خدمت در اداره خسته شده باشد.

بمسابقه بگذارند و خود انجمن نیز در این مسابقه اخلاقی و اجتهاد شرکت خواهد نمود. از طرف انجمن روحانی - س. حیم عالم یهود طرز طبقه بندی مضرات قمار بسیار خوب و مطالب با دقت زیادی تهیه شده ولی همانطور که نویسنده اظهار فرموده بودند از اینها میتوان در اطراف مضرات قمار نوشت که آنرا ما بدو ق سائر نویسندگان و خوانندگان واگذار میکنیم تا ضمن داستانها و مقالاتی برای ما بفرست در ضمن پیشنهاد شماره مبنی بر « پس چه چیز را باید جانشین کرد » میدیریم و جایزه آنرا هم یک اسکناس صد ریالی میگذاریم.

تشکیل دولت

دولت آمریکا رسماً عهده دار شده بود تشکیل دهد و دو حزب عمده آمریکانیز در اظهار داشتند که یک دولت مستقل یهود در دنیا خواهد بود.

سیاست روشن منطقی که موجب سهولت اجرای رئیس دولت آمریکا از دولت انگلیس مصرأ درخواست کرده بوده اجازه دهد صد هزار یهودی اروپائی بیچاره و بی خانمان را که نمی توانند یا ننیخواهند بر مرکز اصلی خود مراجعت کنند فوراً بفرستند.

کلیه ملل آزادخواه اخلاقاً مجبور به نجات و استقرار مجدد این ملت بدبخت میباشند البته حسن بشر دوستی ریاست جمهور آمریکا قابل تحسین است لکن آیا تا موقعیکه دولت آمریکا مسئولیت امنیت مردم فلسطین را عهده دار نشود این امر واقماً مؤثر خواهد بود؟

دولت انگلیس فعلاً مهاجرت اجتماعی یهودیان را بفرستند زیرا مطمئن است که این مهاجرت موجب طغیان اعراب خواهد شد و وسائل نظامی و مادی انگلیس در آنجا بسیار کم است و این عمل بمنافع حیاتی انگلستان بستگی دارد از طرفی اگر در اثر اتخاذ این تصمیم خصوصتهائی ظاهر شود معلوم نیست که صلح خود بخود در شرق نزدیک برقرار شود.

مستر روزولت هرگز گمان نیکرده که اجتماع یهود در فلسطین موجب خصومت ملل عرب خواهد شد بلکه او بکس تصور میکرد که انجام این امر بیشتر مرهون خوشوقتی اعراب خواهد شد تا یهودیان - بنلاوه او مطمئن بود که بهترین وسائل برای حل قطعی و عادلانه مسئله فلسطین وابسته بنذا کراتی است که در آن اعراب و یهود کاملاً اختیار داشته باشند اظهارات خود را بیان کنند.

بعضی از لیبرهای حزب نهضت یهود هم اعتراف کرده اند که بزرگترین امید موفقیت آنها منوط با ایجاد مذا کراتی است که در آن رؤسای اعراب و یهود شرکت داشته باشند، اگر مشکلات موجوده بین کلیبان و اعراب ادامه پیدا کند امید راه حل دوستانه غیر ممکن خواهد بود.

رقابت رؤسای اعراب نسبت به یهودیان روز بروز زیاد تر میشود. وضع این ناحیه نیز همواره منشوش است و بنلاوه بعضی از یهودیان رفتارشان شدیدتر میشود. بدیهی است که کیتة فلسطین نمیتواند بزور تشکیل شود زیرا وساطت انگلیس ها مانع آنست و اعتراضات آمریکائیا ایجاد آنرا آسان ننماید باید دانست که چنین کیتة ای در فلسطین تشکیل نخواهد شد مگر سازمان جامعه ملل متفق تشکیل کیتة یهود را در فلسطین برای برقراری صلح و امنیت بین المللی جایز بشود و در ایجاد آن اقدام لازم بعمل آورد در غیر اینصورت هرگز اجرای این تصمیم بحقیقت نخواهد پیوست فقط جامعه ملل متفق که نماینده ملل آزاد طلب دنیاست اقتدار خواهد داشت راه حل قطعی مسئله فلسطین را تعیین نماید.

بر حسب ترفه ۷۷ منشور ملل متفق دولت انگلستان پس از تشکیل جامعه ملل باید اعتبار قیومیت خود را به مجمع بین المللی انتقال دهد. این مجمع پس از اینکه تشکیل شد و به یهودیان اجازه مهاجرت دسته جمعی داد باقی در صفحه ۴۴۶



یهود در فلسطین

که در فلسطین یک کانون ملی از یهودیان بیانه اخیر خود از این سیاست طرفداری کرده فلسطین معرف میلیونها یهودی برا کنبه در متاسفانه دولت آمریکا تا کنون یک این موضوع باشد نشان نداده است.

رئیس دولت آمریکا از دولت انگلیس مصرأ درخواست کرده بوده اجازه دهد صد هزار یهودی اروپائی بیچاره و بی خانمان را که نمی توانند یا ننیخواهند بر مرکز اصلی خود مراجعت کنند فوراً بفرستند.

کلیه ملل آزادخواه اخلاقاً مجبور به نجات و استقرار مجدد این ملت بدبخت میباشند البته حسن بشر دوستی ریاست جمهور آمریکا قابل تحسین است لکن آیا تا موقعیکه دولت آمریکا مسئولیت امنیت مردم فلسطین را عهده دار نشود این امر واقماً مؤثر خواهد بود؟

دولت انگلیس فعلاً مهاجرت اجتماعی یهودیان را بفرستند زیرا مطمئن است که این مهاجرت موجب طغیان اعراب خواهد شد و وسائل نظامی و مادی انگلیس در آنجا بسیار کم است و این عمل بمنافع حیاتی انگلستان بستگی دارد از طرفی اگر در اثر اتخاذ این تصمیم خصوصتهائی ظاهر شود معلوم نیست که صلح خود بخود در شرق نزدیک برقرار شود.

مستر روزولت هرگز گمان نیکرده که اجتماع یهود در فلسطین موجب خصومت ملل عرب خواهد شد بلکه او بکس تصور میکرد که انجام این امر بیشتر مرهون خوشوقتی اعراب خواهد شد تا یهودیان - بنلاوه او مطمئن بود که بهترین وسائل برای حل قطعی و عادلانه مسئله فلسطین وابسته بنذا کراتی است که در آن اعراب و یهود کاملاً اختیار داشته باشند اظهارات خود را بیان کنند.

بعضی از لیبرهای حزب نهضت یهود هم اعتراف کرده اند که بزرگترین امید موفقیت آنها منوط با ایجاد مذا کراتی است که در آن رؤسای اعراب و یهود شرکت داشته باشند، اگر مشکلات موجوده بین کلیبان و اعراب ادامه پیدا کند امید راه حل دوستانه غیر ممکن خواهد بود.

رقابت رؤسای اعراب نسبت به یهودیان روز بروز زیاد تر میشود. وضع این ناحیه نیز همواره منشوش است و بنلاوه بعضی از یهودیان رفتارشان شدیدتر میشود. بدیهی است که کیتة فلسطین نمیتواند بزور تشکیل شود زیرا وساطت انگلیس ها مانع آنست و اعتراضات آمریکائیا ایجاد آنرا آسان ننماید باید دانست که چنین کیتة ای در فلسطین تشکیل نخواهد شد مگر سازمان جامعه ملل متفق تشکیل کیتة یهود را در فلسطین برای برقراری صلح و امنیت بین المللی جایز بشود و در ایجاد آن اقدام لازم بعمل آورد در غیر اینصورت هرگز اجرای این تصمیم بحقیقت نخواهد پیوست فقط جامعه ملل متفق که نماینده ملل آزاد طلب دنیاست اقتدار خواهد داشت راه حل قطعی مسئله فلسطین را تعیین نماید.

قربانی اجتماع

نداشت. روزی چند بر این ماجرا نگذشت جز خون دل و اشک دیده‌غذائی نداشتم هرچه میدیدم کآخ آمال و آرزوهایم در یکدم فروریخت و گوئی اساساً وجود را جز برای بدبختی نیافریده‌اند خلاصه شد که آنچه نبایستی شود یعنی یکروز کسی بمنزل آمده و مرا بخروج از خانه دعوت کرد سبب را جویا شدم گفت سببی ندارد جز اینکه موعد اجاره این خانه با ائمه آن سر رسیده است بنابراین یا تجدید اجاره کنید و یا اینکه بروید.

این آخرین ضربتی بود که طبیعت بر پیکر ناتوان من وارد کرد فهمیدم آنچه شایستی بهمم برخواستم و بمنزل پدری خود رفتم مادرم همینکه مرا دید سبب را جویا شد واقه را باو گفتم گفت دختر دروغ پس است او ماشین داشت آپارتمان داشت چگونه چنین چیزی ممکن است نه اینطور نیست مطمئناً تو باو تندی کرده‌ای و او بچنین روزی دچار شده است هر چه سوگند یاد کرده یکنهائی خود را گوشزد نمودم مؤثر واقع نشد گفت حرف بکی است همان تو همان سوهر، همان شوهر و همان تو با چشمی خونبار مادر یا بهتر بگویم فرو شده قسی‌القلب خود را ترک کرده و دیگر نماند چه شد و چه نشد چشم خود را بسته و باز کردم و این است منظره‌ای که مبینی

این من و این آخرین دقایق حیات، این من و این بازیسن لحظات زندگی، این من و این حیات تنگین این من و این روزگار تیره خلاصه این من و این تو، این من و این اجتماع فاسد آخرین کلام او این بود که در سر قبرم بجای نام و نشانی فقط بنویسند (قربانی اجتماع) دیگر مجال اینکه چیزی بگویم پیدا نکرد چشمانش برای ابد بسته شد رفت و این دنیای پریشور و شرذراترک گفت رفت و بار طاق فرسای زندگی را ازدوش خود بر زمین گذاشت، رفت و هزاران آرزوهای زیبا و زشت را با خود بگور برد. رفت و زندگانی بدتر از مرگ خود را فراموش نمود، رفت و اشک تجسر بر دیدگانم باقی گذاشت.

صدای کلنگ گورکن مرا بخود آورد بر خاستم و کنار نمش ناله‌ها نمودم چه سود که او دیگر نبود که اقلای بیبند اشغالی هم هستند که برای قربانیهای اجتماع بجای اشک خون میارند و از اشک چشم آنها را غسل داده و باخون دل کفن میکنند. بیکری سفید پوش که ناله‌ای از نور بر صورت داشت در حالی که تبسمی بی ریا و ابندی بر لب داشت بادستهای لرزان من آرزومین برداشته شد و تحویل خانه آخرت گردید جسدی بود که روحش با سانسها پرواز کرده و خود پس از تحمل شدائد بی شمار زندگی بر کلیه آرزوهای بشر لبخند تمسخر میزد.

ترجمه کدیب

בנפיש בתר חי טורטפדודר נפיש בעד ארצנו בעד עמנו נבדור יוסף נפיש דרך ההרים ונבעות הין גנאול את שם תלחי פאמור פאחים שם / פכו בעקבותי بدونفر از کسانیکه بهتر از همه ترجمه کرده باشند یکماه عالم یهود داده خواهد شد - پاسخها باید بایکریال تبر پست همراه باشد -

مقالات و نامه های رسیده

مقالات متعددی از طرف عده‌ای رسیده که متأسفانه بواسطه نداشتن حروف عبری و تراکم صفحات نشریه ما از درج آنها یوزش میخواهیم و ذیلاً باختصار آنها را درج مینمایم: تهران - آقای عبدالله ناسی - در اطراف ترجمه تورات که در بعضی از مطالب آن اشیهاً ترجمه شده است با آوردن دلائل: تهران: آقای الیاس خسروی - در اطراف لزوم وحدت ملی با اظهار ادله از تورات و انبیاء.

تهران: آقای ابراهیم موره - در اطراف موازین اخلاقی یهود با استناد تورات و تلمود. تهران - دوشیزه م - م - چون نام و آدرس ایشان معلوم نبود مقاله شیرین و دلپذیر ایشان «فتای یک ملت چگونه صورت میگیرد» درج نشد ایشان و سایر نویسندگان باید بدانند در صورتی که مایل نباشند نام آنها چاپ نشود ولی در هر صورت باید نام و نشانی خود را ذکر نمایند.

- تهران: آقای خداداد ایشار شعر کودکان « داود کاشر خدایان شهوت ادبی « آقا جان همدانی جدول استر ملکه « درویش پروانه و شمع « ی - صوفر عبری پیاموزید « مردخا، جدول « یوسف قانونیان «

مشهد: دوشیزه ایرانبان برای تو مبین مقدس شیراز: نسیم دلرحیم تقاضای تعلیم زبان عبری بوسیله عالم یهود

« ع - صیونیت پول برای چیست ضمناً از نویسندگان محترم خواهشمندیم از ارسال مطالب سودمند و عام المنفعه خودداری و مضایقه نفرمائید و نیز بعضی نامه‌های انتقادی میرسد که چون نویسندگان آنها شهادت امضای آنها را ندارند متأسفانه نمیتوانیم ترتیب اثر داده آنها را دعوت نموده در اطراف انتقاداتی که نموده اند مذاکره نمایم.

تثکیل دولت یهود

بقیه از صفحه ۴۴۵ دولت آتازونی موظف است که یک قسمت از مسئولیت حفظ صلح را در این ناحیه بعهده بگیرد بعضی دستور مهاجرت اعراب باید به مهاجرین کیلیبی اجازه ورود و فلسطین را بدهد و این مهاجرت نباید قطع شود مگر اینکه مجمع ملل متفق با دولت آینده فلسطین برای ایجاد نظم اقتصادی موقتاً قطع مهاجرت را جایز شمرد. باید گوشزد نموده اگر سازمان ملل متفق پس از تشکیل برای حل مسئله فلسطین اقدام فوری بعمل نیاورد خطر جنگ در شرق میانه محتمل خواهد شد. اما موقعی که کلیه ملل نیرومند مسئولیت نظم این قسمت را بین خود قسمت ننمایند شرق میانه بزودی میدان مناسبی برای نفوذ سیاسی دول قوی خواهد گردید نا گفته نماند که هیچ ملتی در تاریخ بشریت باندازه ملت یهود متحمل رنج و زحمت نشده است - اعلامیه ای که اخیراً در کنفرانس بین‌المللی طرفداران استقلال یهود در لندن منتشر شده بدیهی است بحقیقت بستگی دارد - بهرحال جز تا خیر و هرکوشش و تصمیم بدون عمل که قانوناً و سرماً اقدام نشود جز ازدیاد زحمت و رنج یهودیان و تیرکی در فلسطین اثری نخواهد داشت - از تهران مصور



۱ سالگی ۲ سالگی ۳ سالگی سه سال و سه ماهگی یعقوب یاشار شاگرد اول کلاس دبستان کورش ششم فرشته نظریان فرزند آقای ز. نظریان متولد تهران

تمام کشور و مستعمرات اساس جشن و شادی برپا خواهد شد. (خوب بچه های عزیز) اما یوسف کوتوله فوراً با روحی بشاش و خندان خود را بطالار بزرگ که اغلب حضرت شاه و سران لشکر کلبه شاهزاده خانها و تمام شاهزادگان دور میز حضور داشتند انداخت و تعظیمی کرد و در گوشه‌ای جزو سایر غلامهای مخصوص ایستاده شاهزاده خانم که نزدیک داماد نشسته بودند بعضی اینکه چشمشان یوسف کوتوله افتاد از روی صندلی برخاستند و دست بسینه در مقابل شاه ایستادند و با بیان فصیح عرض کردند پدر تاجدار بزرگوارم مطلب مهمی دارم که با حضور هیئت حاضره میخواهم بعرض برسانم آیا بکینه اجازه این کستخی را اعطا میفرمائید؟

و در همان مجلس زیر آبی جایش داد باز یک سال گذشت بیچاره یوسف کوتوله از شدت غصه و رنجور و ناتوان شده بود باز بیساجات و راز و نیاز پرداخت و استخلاص خود را از قید و حبس زیر آبی تمنی نمود این مرتبه نیز پیرمرد نورانی بکمکش رسید و در دل شب او را در ساحل گذارد. یوسف نفسی براحتی کشید و مشغول ناز و دعا شد بعضی اینکه خواهش روشن شدن هوا و زیارت جمال خورشید را کرد همان دست کمرش را گرفت و بعبسش کشاند سال سوم باتها رسید از یوسف بدبخت جز پوست و استخوان چیزی باقی نمانده بود از غصه و بیچارگی طلب مرگ میکرد که پیرمرد نورانی بکمکش رسید و گفت «فرزندم دوره سرگردانی تو پایان یافت برو دست حق بهمراحت کمر یوسف کوتوله را گرفت و در ساحل زمینش گذاشت یوسف مشغول ناز و دعا شد

قصه کودکان قاصد زرنگ

کام سفیده سحری دمید و هوا روشن شد و اولین اشعه طلایی خورشید کوه و کمر و دشت و رودخانه و بیشه‌ها و نیزارها را منور کرد. یوسف شکر خدا بجا آورد و وردی خواند و شکل آهوی تیزبیا بخود گرفت و مشغول دویدن شد بعد از دویدن زیاد خسته شد وردی دیگر خواند و بشکل خرگوش تند یائی شد و پناهی جستن و دویدن را گذاشت و بقدری دوید که خستگی بر او غلبه کرد بعد تغییر شکل داد و پلچله کا کل طلایی شد و اوج گرفت و شروع کرد پیریدن بالاخره بعد از یکشنبه روز هوا تاریک بود که دریاغ سلطنتی پائین آمد شکل آدم بخود گرفت و بدیدر قصر باغ سلطنتی محشر غریبی است چراغان و آتش بازی است و دسته‌های موزیک مترنم است خلاصه نمونه‌ای از بهشت برین را با چشم خود دید. از یکی از غارها و پیشخدمتها پرسید چه خبر است؟ جواب شنید که چون فتح و ظفر نصیب پادشاه شده و در آن جنگ یکی از شاهزادگان خدمت بزرگی انجام داده بیاس آن خدمت لیافت دامادی شاه را پیدا کرده است و امشب بساط عروسی گسترده شده است و تا هفت شبانه روز در

یادشاه با سر اشاره نموده فرمودند فرزند عزیزم مطلب را بیان نا شاهزاده خانم گفتند پدر تاجدارم این شاهزاده که بنام دامادی در جوار کینه نشسته است لیافت همسری کینه را ندارد و خدمتی که شایسته این موقعیت و مقام باشد انجام نداده است مأموریت مهم را این جوان (اشاره یوسف کوتوله) انجام داده است (خطاب یوسف) جوان نایش بده چگونه برای اجرای امر شاه از اردوگاه بیابخت آمده‌ای؟ یوسف کوتوله فوراً معلقی زد و میدل باهوی تیزبیا شد و دور تالار پناهی دویدن را گذاشت و بعد از دوسه دور در مقابل میز با کمال ادب ایستاد. شاهزاده خانم فوراً آن دستمالی را که کا کل آهورا در آن کره زده بودند از ندبیه خود خواستند و باز کردند و دست کا کل آهوی و جای آنرا که چیده بودند بشاه و سایرین نشان دادند آهو بلافاصله معلقی زد و میدل بخروش بادبائی شد و پناهی و رجه و رجه و دویدن را گذاشت و بعد در حضور ایستاد؛ شاهزاده از کثیره خود دستمال دوم را طلبیدند و دست کا کل خرگوش و جای آنرا که چیده بودند نشان دادند خرگوش معلقی زد و میدل پلچله کا کل طلایی شد و شروع کرد باوج کرقتن.



داستان بدون شرح

دکتر عزیزالله (الیص) آزما
 دارای دیپلم و درجه افتخاری از
 دانشکده پزشکی امریکا و گواهی نامه از
 بیمارستان لندن
 - پزشک بیماری داخلی و اطفال و مقاربتی
 با علیات چندین ساله در بیمارستان های
 وزارت بهداشت -
 بیماری سوزاک و سفلیس حاد و مزمن را
 بطرز جدید در مدت خیلی کوتاه معالجه مینماید
 صبح ۹-۱۲ و عصر ۴-۷
 نشانی خیابان سعدی نزدیک چهار راه
 سید علی - ۸-۱

بنگاه الکتریکی شناسا
 تعمیر گاه رادیو و کلیه دستگاههای
 الکتریکی قبول هر نوع سیم کشی و خرید
 و فروش اجناس الکتریکی -
 به کارهای خیره ۵۰ در ۱۰۰ تخفیف
 داده میشود اجناس این بنگاه قیمت تجارتنی
 فروخته میشود لامپ ۱۰۰ شمع دانه ده ریال
 « ۵۰ » « ۵۰ »
 نشانی: خیابان منوچهری جنب چهارراه
 کنت - شماره ۱۵۸ ۳-۳

در آتیه نزدیکی نمایش فوق العاده جالب
 توجه و اخلاقی موسوم به اثر تربیت توسط
 یکمده از مبرزترین هنریشگان اسرائیل بنام
 (هیئت اتسارال سینای) و گلپهای رنگارنگ
 توسط یکمده ۵۰ نفری از کودکان کودکستان
 پرورش بعرض نمایش گذارده خواهد شد -
 (عوائد خالص آن صد درصد برای
 توسعه دادن کینسوا و کودکستان دروازه شیران
 میباشد) -

شبان نمایندگی بیمه
 بیمه های عمر - حوادث - حریق -
 دزدی - حمل و نقل اتومبیل و غیره با بهترین
 شرایط و بزرگترین کمپانی ها و ارزاترین
 نرخ پذیرفته میشود -
 نشانی: ناصر خسرو جنب بانک عثمانی
 تلفن ۹۹۳۳ ۳-۱

کود آمووز عبری בפארسی
פונג, ריאל
 مראכوز فروش
 ג'פכאנה בהאדראן כאשאני נאצרכסרו
 "בוסיתאנ יוסף אבאד
 מחלה כלמיאן מניאזה שאלם
 در فروش کلی تکفیف دודה میشود
 המה רקם חרוף עברי בראי ג'אף مونیور
 אמת, ג'פכאנה בהאדראן כאשאני
 - ۴۴۸ -

شرح عکس پشت جلد
یکمین سال فوت هنریتاسولد که بنام
مادر بچه های اسرائیل گیتی خوانده میشود *
 هنریتاسولد در ۱۸۶۰ میلادی متولد شده فرزند
 راب بنیامین سولدراب اسرائیل های اوهب شالم در بالتیمور
 که در امریکا است می باشد -
 از جوانیش علاقه مفرطی به فرهنگ ییدانمود و سالهای
 زیادی بطور معلمه فعالیت زیادی نموده در این موقع به مهاجرین
 یهودی اروپای شرقی که با امریکا می آمدند کمک فراوانی نمود
 هنریتاسولد یکی از مؤسسين تشکيلات صیونيست
 در امریکا می باشد در ۱۹۱۲ يك نهضت زنان صیونیستی
 بنامها داسا تشکیل داد (این مؤسسه دارای يك مریضخانه
 بزرگ و عالی و معروف خاور میانه در اورشلیم میباشد)
 چندین سال پیشوائی این نهضت را دارا بود و کار
 های بسیار مهمی برای تجدید حیات ملی و بنا در زمین اجدادی
 ارض اسرائیل نمود .

در سال ۱۹۲۱ بارص اسرائیل مهاجرت کرده و در
 ۱۹۲۷ از طرف کنگره صیونیست بسمت عضو هیئت مدیره
 صیونیست انتخاب شد و نیز در این قسمت فعالیتهای بسیار بزرگ
 بخصوص فرهنگ و بهداشت بعهده گرفت و تا سال ۱۹۳۱
 باین خدمت عمومی ادامه داد .
 از سال ۱۹۳۱ بعضوت وعدهلوموی انتخاب گردید
 و در زایش کارهای خیره و بهداشت و فرهنگ عمومی
 قرار گرفت از موقمی که رژیم نازسیم در آلمان شیوع پیدا کرد
 و يك رل مهمی در راه نجات بچه های یهودی آلمان و سایر
 ممالک اروپائی که در آتش فھر هیتلری ها می سوختند
 بازی کرد .
 با سرمایه مخصوصی که از یهودیان اروپا بخصوص
 امریکا که بواسطه نفوذش جمع آوری شده توانست ۱۵۰۰۰
 کودک یهودی را نجات داده و در مدارس کشاورزی شبانه
 روزی ببرد این اقدام او بنام غلبت هنوعر معروف است .
 اولین کیبوتسی که ۶۰ نفر از آنها را قبول کرد
 کیبوتس « ان حروت » میباشد که بعد از دو سال آنها خود
 نیز يك کیبوتس جدیدی بنام « علونیم » در نزدیکی حيفا
 بنا نمودند -
 در این امر خیر تا آخرین دقائق عمر خود را بسر
 برد - حتی در اواخر عمر خویش فعالیتش را بخاور نزدیک
 نیز معطوف داشته بود در سن ۲۴ سالگی در ۲۴ شواط
 ۵۷۰۵ در اورشلیم دار فانی را بدرود گفت
 ملت یهود مخصوصاً کودکان آن هرگز او را
 فراموش نخواهند کرد -

آب گھی
 هر کس ده نفر مشترک معرفی نماید
 يك دوره مجانی بنام او صادر و ارسال خواهد
 شد - عالم یهود ۲-۱

تسلیت
 با نهایت تأسف این جانبان ابراهیم
 و اسحق امیدالجاج درگذشت شاد روان
 مته مطلوب را بیازماندگان آن مرحوم
 خصوصاً آقایان اسحق و شکرالله مطلوب
 تسلیت میکنیم
 بدین وسیله فوت شادروان موشه
 مطلوب را به بازماندگان آن مرحوم مخصوصاً
 آقای دکتر شکرالله مطلوب بیان تسلیت
 عرض میکنم -
حبيب الله لاوی
شرکت سهامی چاپ

از سخنرانی های اخلاقی و منمهی و
 اجتماعی که در شبهای دو شنبه توسط انجمن
 رواجنی در سالن کینسای ملاحظینا منعقد
 میشود استفاده ننماید -

ואהבת לרעהך כמוך
 יך ברכה ספר חרה כט דרשת נושחה
 ירושלים בה נפע כאנון כירכואה בראוי
 סאכתמאן ואישגא (הכה) מישוד טאלכון
 בה אקאיאן
 יוסף פירוויאן כיאבאן נאצר כסרו
 חאגי שקכאן שמש לאלהואר
 עבדאלה יום טוב סראי אמیر
 כראנעה פרמאניר .
 כאנון כירכואה

متوفیات کیمیان تهران
 نظر بجنس جریان و مجاهدت کانون
 خیرخواه و نظارت دقیق در توزیع دارو بین
 مستمندان خوشبختانه از تعداد متوفیات کاسته
 شده است - موفقیته و سعادت آن کانون
 را از خداوند متعال خواستار است
 از طرف بنگاه متوفیات کلبیان تهران
 شبان ژزفی - عبدالله یوم طوب
 ۲-۲

خریداری میشود
 قسمتهای ۱۸ و ۳ و ۲ عالم یهود به بهای
 خوب خریداری میشود -
 فروشندگان به چاپخانه بوستانی چهارراه
 یوسف آباد مراجعه فرمایند -

تسلیت
 با نهایت تأسف این جانبان ابراهیم
 و اسحق امیدالجاج درگذشت شاد روان
 مته مطلوب را بیازماندگان آن مرحوم
 خصوصاً آقایان اسحق و شکرالله مطلوب
 تسلیت میکنیم
 بدین وسیله فوت شادروان موشه
 مطلوب را به بازماندگان آن مرحوم مخصوصاً
 آقای دکتر شکرالله مطلوب بیان تسلیت
 عرض میکنم -
حبيب الله لاوی
شرکت سهامی چاپ

حبيب الله لاوی
شرکت سهامی چاپ

نشانی دفتر
 تهران
 چهار راه رازی
 عنوان تلگرافی
 «هاعولام»

عالم یهود

העוללה היהודית

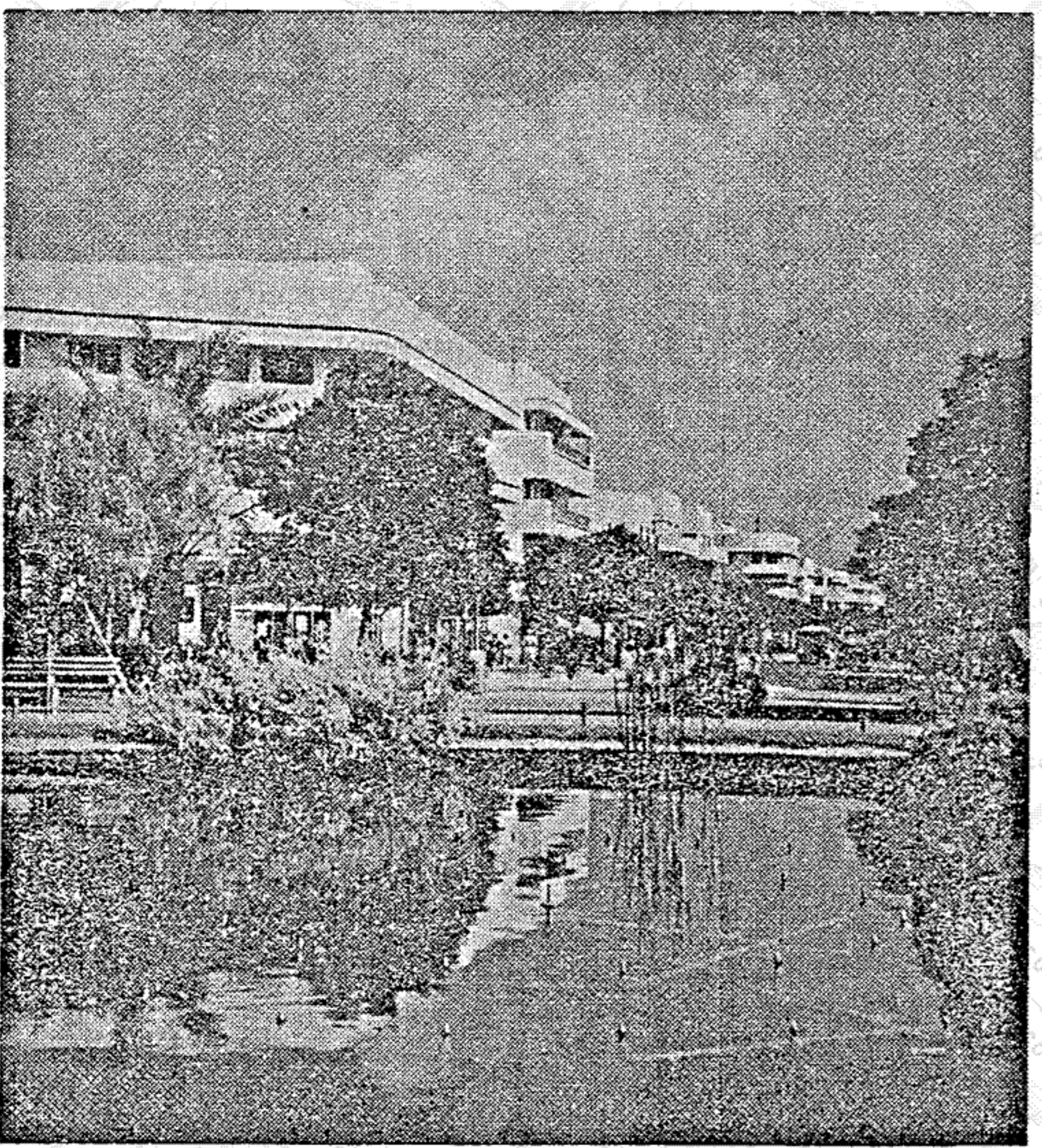
به شنبه ۲۴۱۲۷
 بها ۵ ریال
 قسمت
 ۲۷

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۴۵۰	اخبار مصور هفته
۴۵۱	هم بحث و هم انتقاد
۴۵۳	باروخ اسپینوزا
۴۵۴	اخبار دنیای یهود
۴۵۵	اخبار عالم یهود
۴۵۵	خزینات سازمانهای صیونیسم
۴۵۶	توسعه دانشگاه یهود پس از جنگ
۴۵۷	تب راجعه - نواپخ و مشاهیر
۴۵۷	بیرابیل آلمان
۴۵۸	تاریخ مختصر یهود - وظیفه يك یهودی
۴۵۹	ترس
۴۶۰	زن و مبارزات اجتماعی
۴۶۱	ما و خوانندگان
۴۶۲	اگر مادر شدید
۴۶۲	برندگان جوایز
۴۶۳	وصیت حاج آقا - -

تقویم هفتگی

فوریه	اسفند	آذار دوم
۱۹۴۶	۱۳۲۴	۵۷۰۶
۲۶	۷	۳۰ شنبه
۲۷	۸	۲۶ « ۴
۲۸	۹	۲۷ « ۵
مارس	۱۰	۲۸ آدنه
۲	۱۱	۲۹ شنبه
۳	۱۲	۳۰ شنبه
۴	۱۳	۱ آذار دوم



يك منظره دیگر از شهر زیبای تلاویو